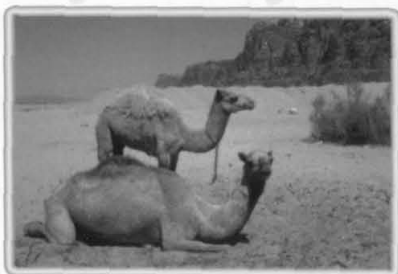




اعجاز علمی در قرآن کریم



BP

۸۶

۱۶۰۴۱ الف ۲۷ م

۱۳۸۱

ن ۱۰

● مؤلف:

محمد سامی محمد علی

● مترجم:

سید حسن کاظمی

عضو هیأت علمی گروه ادبیات دانشگاه بیرجند

۲۸۲-۲۰۹۳.

اعجاز علمی در

قرآن کریم



نویسنده:

محمد سامی محمد علی

مترجم:

سید حسن کاظمی

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا

BP محمدعلی، محمدسامی

۱۰۳/۶ اعجاز علمی قرآن / تألیف محمد سامی

۳/م محمد علی؛ ترجمه‌ی حسن کاظمی - بیرجند: رزقی،

۱۶ الف ۱۳۸۱.

۲۴۰ ص.

شابک: ۹۶۴-۹۴۲۶۱-۹-۱

کتابنامه: ص. ۲۳۸ - ۲۴۰.

۱. قرآن و علوم. ۲. قرآن - اعجاز.

الف. کاظمی، حسن، ۱۳۳۳ - مترجم. ب. عنوان.

۸۱-۸۷۴

کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه بیرجند

اعجاز علمی در قرآن کریم

نویسنده: محمد سامی محمدعلی

مترجم: سید حسن کاظمی

ناشر: رزقی

شمارگان: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهمن ماه ۸۱

تعداد صفحه: ۲۴۰

قطع کتاب: وزیری

قیمت: ۹۰۰ تومان

شماره‌ی شابک: ۹۶۴-۹۴۲۶۱-۹-۱

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: چاپ و نشر گلرو

تلفکس: ۴۴۳۲۸۳۱-۵۶۱





- ۱۵..... سرآغاز
- ۱۸..... مقدمه
- ۲۲..... دعوت قرآن به علم
- ۲۳..... علم راهی است به سوی خداوند
- ۲۵..... دعوت اسلام به علوم دنیوی
- ۲۷..... برتری اسلام بر سایر ادیان به علم است
- ۲۹..... قرآن کتاب علوم طبیعی نیست
- ۳۰..... کشیدن قرآن به علوم جدید و دور کردن از آن هر دو خطاست
- ۳۰..... دیدگاه طرفداران نظریه اول:
- ۳۰..... دیدگاه طرفداران نظریه دوم:
- ۳۱..... ☐ معیار صحیح
- ۳۲..... نظریه ی تکامل
- ۳۴..... ماه، جسمی سرد

- اول: اعجاز قرآن در کیهان شناسی..... ۳۶
- ۱/۱ اصل هستی..... ۳۶
- ۲-۲ آفرینش کیهان..... ۳۷
- ۳-۳ نداوم هستی و گسترش آن..... ۳۹
- خورشید..... ۴۱
- ۱/۴ حرکت خورشید و جریان آن..... ۴۱
- ۲/۵ خورشید جرمی شعله ور..... ۴۱
- ۳/۶ تعداد خورشیدها..... ۴۳
- ۴/۷ پایان کار خورشید..... ۴۵
- ۵-۸ سقوط شهابها..... ۴۶
- ۶/۹ مشرقها و مغربها..... ۴۷
- ماه..... ۵۰
- ۱/۱۰ ماه جسمی سرد..... ۵۰
- ۲/۱۱ ماه مشتعل بود ، سپس خاموش شد..... ۵۰
- ۳/۱۲ تشبیه ماه به بند خوشه ی خرما ی کهنه شده..... ۵۱

- ۵۴ ۴/۱۳ ماه دور می‌زند
- ۵۵ زمین
- ۵۵ ۱/۱۴ گرویت زمین
- ۵۶ ۲/۱۵ جاذبه‌ی زمین
- ۵۸ ۳/۱۶ گردش زمین
- ۶۰ ۴/۱۷ پی در پی آمدن شب و روز
- ۶۲ ۵/۱۸ نقصان (کاستی) زمین
- ۶۳ ۶/۱۹ طبقات زمین
- ۶۴ ۷/۲۰ پایین‌ترین منطقه در کره‌ی زمین
- ۶۵ ۸/۲۱ تکانهای زمین به سبب بارش باران
- ۶۶ ۹/۲۲ و آنچه در زیر خاک پنهان است
- ۶۶ ۱۰/۲۳ و آهن را نازل کردیم که در آن نیرویی شدید است
- ۶۹ اعجاز قرآن در ستارگان و سیارات
- ۶۹ ۱/۲۴ جایگاه ستارگان
- ۷۲ ۲/۲۵ قرآن در مورد زندگی بر روی سیارات چه گفته است؟

- ۲۶/۳ اشاره به منافذ جو زمین ۷۵
- ۲۲/۴ سیارکها ۷۶
- اعجاز قرآن در عالم دریاها ۷۷
- ۱/۲۸ فواصل بین دریاها ۷۷
- ۲۲/۲ امواج داخلی و سطحی ۷۹
- ۳/۳۰ نسبت بین دریا و خشکی ۸۱
- ۴/۳۱ آب اصل و منشأ زندگی ۸۷
- اعجاز قرآن در عالم بادهای ۹۱
- ۱/۳۲ و بادهای را (به عنوان) آبتن کننده ی رحم طبیعت فرستادیم ۹۱
- ۲/۳۳ ابرهای متراکم و خصوصیات آنها ۹۲
- ۳/۳۴ انواع بادهای در قرآن ذکر شده ۹۴
- ۴/۳۵ حرارت و بخار ۹۸
- اعجاز قرآن در علم کوهها ۹۹
- ۱/۳۶ وصف کوهها در قرآن ۹۹
- ۲/۳۷ کوه ها چگونه ایجاد می شوند؟ ۱۰۱

- ۱۰۲ ۳/۳۸ ارتباط کوه ها با چشمه ها و باران
- ۱۰۴ اعجاز قرآن در آفرینش انسان
- ۱۰۵ ۱/۳۹ انسان از عصاره‌ی خاک زمین
- ۱۰۷ جشن زندگی
- ۱۰۹ ۲/۴۰ آفرینش انسان از یک نطفه
- ۱۱۰ ۳/۴۱ تعیین جنس جنین
- ۱۱۱ ۲/۴۲ قرارگاه محفوظ (رحم)
- ۱۱۴ ۵/۴۳ تاریکیهای سه گانه
- ۱۱۷ ۶/۴۴ در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید
- ۱۲۳ ۷/۴۵ کمترین مدت حمل، ۶ ماه
- ۱۲۴ ۸/۴۶ آنچه را در رحمهاست می‌داند
- ۱۲۶ ۹/۴۷ استخوان کارخانه‌ی تولید خون
- ۱۲۸ ۱۰/۴۸ تقدّم شنوایی بر بینایی
- ۱۲۸ ۱۱/۴۹ دیدنی ها و نادیدنی ها
- ۱۲۹ ۱۲/۵۰ پوست جایگاه احساسات
- ۱۳۱ ۱۳/۵۱ سببهای رنگین شدن پوست

- ۱۴/۵۲ برای هر انسانی بوی عرق مخصوص اوست ۱۳۲
- ۱۵/۵۳ هر انسانی اثر انگشت مخصوص به خود را دارد ۱۳۳
- ۱۶/۵۴ هر کس را که طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه می‌کنیم ۱۳۳
- ۱۷/۵۵ و در خودتان پس نمی‌نگرید ۱۳۵
- اعجاز قرآن در علم پزشکی ۱۴۲
- ۱/۵۶ گویا می‌خواهد به آسمان بالا رود ۱۴۲
- ۲/۵۷ امراض وراثتی ۱۴۴
- ۳/۵۸ فسادهای اخلاقی ۱۴۵
- ۴/۵۹ سقط جنین و قتل نفس ۱۴۶
- ۵/۶۰ نتایج ترس ۱۴۶
- ۶/۶۱ آسان کردن تولد نوزاد ۱۴۸
- ۷/۶۲ شیرخوارگی ۱۵۰
- ۸/۶۳ از زنان در حال قاعدگی دوری نمایید ۱۵۲
- ۹/۶۴ غسل حیض و جنابت ۱۵۳
- ۱۰/۶۵ حقیقت روح ۱۵۵
- ۱۱/۶۶ و چشمهای او از اندوه نابینا شد ۱۵۶

- ۱۵۷ ۱۲/۶۷ درمان زخم بستر
- ۱۵۸ ۱۳/۶۸ درمان بعضی از امراض پوست
- ۱۶۰ اعجاز قرآن در علم روانپزشکی
- ۱۶۰ ۱/۶۹ رنگ سبز و تأثیر روانی آن
- ۱۶۲ ۲/۷۰ خشوع و غریزه‌ی تمرکز حواس
- ۱۶۴ اعجاز قرآن در بهداشت عمومی
- ۱۶۴ ۱/۷۱ وضو
- ۱۶۵ ۲/۷۲ پاکیزگی جسم
- ۱۶۶ ۳/۷۳ پاکیزگی لباس
- ۱۶۶ ۴/۷۴ پاکیزگی محیط
- ۱۶۷ ۵/۷۵ ورزش نماز
- ۱۶۸ ۶/۷۶ ریاضت حج
- ۱۶۹ ۷/۷۷ ورزش اسب سواری و تیراندازی
- ۱۶۹ ۸/۷۸ روزه
- ۱۷۱ ۹/۷۹ خواب

- ۱۷۱..... ۱۰/۸۰ خواب بامدادی با باد صبا
- ۱۷۲..... ۱۱/۸۱ تحریم فواحش (زنا)
- ۱۷۴..... ۱۲/۸۲ لواط
- ۱۷۵..... اعجاز قرآن در علم تغذیه
- ۱۷۶..... ۱/۸۳ صید دریا
- ۱۷۷..... ۲/۸۴ گوشت چهار پایان
- ۱۷۹..... ۳/۸۵ شیر چهار پایان
- ۱۷۹..... ۴/۸۶ انجیر
- ۱۸۰..... ۵/۸۷ زیتون
- ۱۸۲..... ۶/۸۸ انگور
- ۱۸۲..... ۷/۸۹ خرما و ارزش غذایی آن
- ۱۸۴..... ۸/۹۰ انار
- ۱۸۴..... ۹/۹۱ موز
- ۱۸۵..... ۱۰/۹۲ کدو
- ۱۸۶..... ۱۱/۹۳ عسل
- ۱۹۰..... ۱۲/۹۴ در آیات قرآن میوه ، مقدم بر گوشت آمده

- ۱۳/۹۵ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید..... ۱۹۱
- تحریم خبثات..... ۱۹۳
- ۱۴/۹۶ تحریم مردار..... ۱۹۳
- ۱۵/۹۷ تحریم خوردن (حیوانی که) خفه شده..... ۱۹۴
- ۱۶/۹۸ تحریم خوردن (حیوانی که) با شکنجه و ضرب یا بیماری یا بر اثر پرت شدن از بلندی یا به ضرب شاخ مرده باشد..... ۱۹۵
- ۱۷/۹۹ تحریم خون..... ۱۹۵
- ۱۸/۱۰۰ تحریم گوشت خوک..... ۱۹۵
- ۱۹/۱۰۱ تحریم شراب..... ۱۹۶
- اعجاز قرآن در علم تاریخ..... ۱۹۹
- ۱/۱۰۲ (نام حاکم مصر در دوره ی حضرت یوسف) ملک است، فرعون نیست..... ۱۹۹
- اعجاز قرآن در شناخت اتم..... ۲۰۰
- ۱/۱۰۳ تجزیه پذیری اتم..... ۲۰۰
- ۲/۱۰۴ در هر چیزی حیات و زندگی است..... ۲۰۱
- اعجاز قرآن در وسایل نقلیه..... ۲۰۵

- ۱۰۵/۱ اخبار مربوط به وسایل نقلیه ۲۰۵
- ۱۰۶/۲ اخبار مربوط به کشتیهای عظیم ۲۰۵
- اعجاز قرآن در عالم حیوانات ۲۰۷
- ۱۰۷/۱ عوالم حیوان و پرنده شبیه عالم انسان ۲۰۷
- ۱۰۸/۲ زبان حیوانات ۲۱۰
- ۱۰۹/۳ زنبور عسل ۲۱۳
- ۱۱۰/۴ مورچه ۲۱۷
- ۱۱۱/۵ شتر ۲۲۰
- ۱۱۲/۶ عنکبوت ۲۲۲
- ۱۱۳/۷ پشه ۲۲۲
- ۱۱۴/۸ مگس ۲۲۳
- اعجاز قرآن در دانش ریاضیات ۲۲۵
- ۱۱۵/۱ آموزش جمع و تفریق ۲۲۵
- ۱۱۶/۲ « وَاَزَادَادُ وَاِتْسَعَا » و نه سال بر آن افزودند ۲۲۶
- ۱۱۷/۳ توافقات عددی در قرآن ۲۲۷

از رشاد خلیفه و کتابش حذر کنید ۲۳۱

الف - اعجاز عددی در قرآن - بر عدد ۱۹ متکی است ۲۳۱

رشاد خلیفه کیست؟ ۲۳۱

ب - بهائیا کیستند؟ ۲۳۱

ج - مهمترین تعالیم بهائیت که رشاد خلیفه به آنها منتسب است، چیست؟ ۲۳۱

۱۱۸ سر منشأ سوخت درخت سبز است ۲۳۵

۱۱۹ زوجیت درهمه‌ی مخلوقات عمومیت دارد ۲۳۵

منابع و مأخذ ۲۳۸

سر آغاز

قرآن کریم، این معجزه‌ی جاویدان نبی اکرم (ص) از آغازین روزهای نزول تا به امروز، با آنکه قرن‌ها از نزول آن گذشته‌است، همواره از جهات مختلف توجه دانشمندان مسلمان و حتی غیر مسلمان را به خود جلب کرده‌است، مسلمین اهتمامی شگفت نسبت به قرآن کریم داشته‌اند، چندان که ابعاد مختلف این کتاب مقدس، از جلد آن و حروف و رسم الخط و قرائت گرفته تا تفسیرهای عمیق و عرفانی و فلسفی، همه در نزد علمای اسلام مورد بحث قرار گرفته‌اند. تألیف هزاران کتاب در علوم مختلف، خود شاهد این مدعاست. امروزه به یقین می‌توان ادعا کرد که در طول تاریخ هیچ کتابی تا بدین حد مورد توجه قرار نگرفته و تا این اندازه پیرامون آن قلم زده نشده است. چه بسیار علومی که از دل این کتاب مقدس نشأت گرفته‌اند و یا در پرتو آن رشد یافتند و بالیدند و چه بسیار دانشمندانی که به فراخور بضاعت علمی و عرفانی خویش از این خوان گسترده بهره‌ها بردند و نام نیک خود را به ذهن آیندگان سپردند.

با این حال دقایق و أسرار و شگفتیهای این کتاب جاوید، بی‌پایان است و نقصانی در آن حاصل نمی‌گردد. و به تعبیر زیبای مولای متقیان علی(ع):

«قرآن دریایی است که آبکشان نتوانند آب آن را تمام کنند و چشمه‌هایی است که آبش تیره و آلوده نشود و آبشخور آن در اثر تراکم و کثرت واردان تنگ نگردد» نهج‌البلاغه/خطبه ۱۹۸.

در میان مباحث مربوط به علوم قرآن، یکی از مباحثی که جدیداً مورد توجه قرار گرفته است، اعجاز علمی در قرآن می‌باشد و کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن کریم» اثر محمد سامی محمد علی» یکی از کتابهایی است که در این زمینه نگارش یافته است و نویسنده همه‌ی اهتمام خود را به کار برده که سبقت علمی قرآن را در زمینه‌هایی که در قرآن به آن اشاره شده است به اثبات برساند و با نهایت کوشش مجموعه‌ای از آیات را که در مورد پدیده‌های گوناگون طبیعت بیان شده است جمع‌آوری نموده و تفسیر کرده است و این کتاب را در میان کتابهای موجود در مورد اعجاز علمی از سایر کتابها جامع‌تر و کامل‌تر یافته‌ام و به این سبب این کتاب را برای ترجمه برگزیدم، به امید اینکه برای نسل جوان ما مفید و مؤثر واقع شود.

در پایان از راهنمایی‌های ارزشمند آقای دکتر رحیمی و آقایان دکتر قاسمی و دکتر بهنام‌فر و سایر همکاران محترم گروه ادبیات تشکر و تقدیر می‌نمایم.

«رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»

مقدمه‌ی عربی استاد میسر مکی

بارزترین تحول علمی که به عنایت پروردگار در صحنه‌ی عالم آشکار شد، نزول معجزه‌ی «قرآن» بود؛ زیرا آن نه تنها اعجاز، بلکه معجزه‌ی جاودانه ابدی است که از آسمان به زمین نازل شده تا راه را نورانی کند و فکرها را بگشاید و عقلهای قفل شده را متحول کند «آیا منافقان در قرآن تفکر نمی‌کنند؟ یا بر قلبهایشان قفلها زده‌اند؟» انتهای بسیاری از آیات به این گفتار خداوند منتهی می‌شوند: أَفَلَا تَعْقِلُونَ: أَفَلَا تَذَكَّرُونَ... «در این هلاک گذشتگان پند و تذکر است آن را که دارای قلب هوشیاری باشد یا گوش دل به کلام خدا فرا دهد و به حقایق توجه کامل کند» و بسیاری از آیات قرآن انسان را به تفکر، آموختن، بحث و مطالعه دعوت می‌کند «آیا به شتر نگاه نمی‌کنند، چگونه خلق شده است؟»

قرآن معجزه‌ای است که هیچ گونه باطلی از جهات مختلف به آن راه نمی‌یابد. «کتاب الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم: اثر استاد محقق محمد سامی، محمدعلی است.»

این مؤلف نهایت تلاش خود را به کار برده است تا بیشتر دستاوردهای انقلاب علوم معاصر را که حاصل قیام و تلاش بی وقفه حدود ۱/۵ قرن در عالم شرق و غرب از علوم فضایی، دریایی، نجوم، باران، پادها، کوه‌ها آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد، همچنین نتایج مطالعه‌ی محققان و دانشمندان را در مورد حشرات، میکروب‌ها و بسیاری علوم دیگر آشکار کند و پیوسته انسان در کرانه‌ی اقیانوس بی‌پایانی از این علوم است.

قرآن کریم، راجع به بسیاری از این علوم گفتگو کرده و به آنها اشاره نموده که در مورد آن به تحقیق و بررسی و گفتگو بپردازید و مثالش این قول خداوند بلند مرتبه است و «بگو: بنگرید به آنچه در آسمانهاست» آری، قرآن اعجاز‌آمیز، از همه‌ی این علوم در ۱۴ قرن پیش به زبان پیامبر عرب، بلکه پیامبر همه‌ی عالم، حضرت محمد (ص) سخن گفته است.

قرآن، علاوه بر آن و به صورت اعم، اسلام، اولین انقلاب علمی است که بر سطح زمین ظاهر شده و پیوسته تا روز قیامت استمرار دارد این انقلاب از صحرای عربستان از مکه‌ی مکرمه با ولادت اسلام با این گفته‌ی خداوند تعالی آغاز شد: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، «بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد» و علوم و معارف بسیاری را با فتوحات اسلامی در شرق و غرب عالم منتشر کرد و شهرها و پایتخت‌های آنها بعد از مدتی به برکت علوم و معارف تحول یافت و قبله‌ی

آمال همه‌ی علمای شهرهای شرق و غرب عالم شد؛ مانند شهرهای بغداد، موصل، دمشق، حلب، مکه‌ی مکرّمه، مدینه منوره، قاهره، قیروان، کوفه، قاس، طیطله، اشبیلیه و قرطبه.

در این مراکز بسیاری از دانشمندان و ریاضیدان‌ها، ستاره شناسان، اطباء، مهندسان و دیگران ظهور کردند و بسیاری از این علما در بیش از یک علم درخشیدند، دانشمندانی را می‌بینی که طبیب، عالم، فیلسوف، منجم و ستاره شناس و ریاضیدان بودند، طبیعت آنها، طبیعت ملائکه بود، اندکی از شب می‌خوابیدند، در سحرها طلب آموزش میکردند و علوم مختلف را بحث و بررسی و گفتگو می‌کردند، شبهای بسیاری را شب زنده‌داری کردند و میراث عظیمی را بر جای گذاشتند. تاریخ، کارهای ننگینی را که جنگجویان تاتار و استعمار گران صلیبی با کتابها و کتابخانه‌هایی که در دجله و فرات نابود شد انجام دادند و آنچه را که آنها هنگامی که به عراق، اندلس، شام و شمال افریقا لشکرکشی کردند و با دستهای خود به آتش کشیدند هرگز فراموش نخواهد کرد و آنچه را که در سرزمین هندوستان انجام دادند، بسیار سخت‌تر و ناگوارتر است.

قرآن کریم تنها معجزه‌ی باقی، تا آخر حیات انسان بر روی زمین است و این حقیقت دریافت شخصی ما از قرآن نیست، بلکه خود قرآن از خودش چنین تعریف می‌کند، زیرا آن از جانب خداوند دانا و حکیم نازل شده است. خداوند تعالی فرمود: «ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم» و خداوند تعالی در سوره‌ی صَفّ فرمود: «آنان می‌خواهند، نور خدا را با دهان خود، خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند».

این معجزه ظهور کرده است و در نزد کسانی که روی زمین جز سرکشی و فساد را اراده نمی‌کنند با عظمت خواهد بود و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

در پایان، سپاس فراوان خود را از استاد محقق، محمد سامی، محمد علی، اعلام می‌نمایم و از خداوند بزرگ، پاداشی عظیم برای تلاش بزرگی که وی در راه آشکار کردن حقیقت علمی برای بیان «معجزه تمامی دور آنها» - اعجاز قرآن کریم - انجام داده است خواهانم «وَلِلّٰهِ الْمِیْتَةُ وَ الْفَضْلُ»

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

میسر مکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

ستایش واقعی از آن الله است که در کتاب محکمش می فرماید: «سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» فَصَلَتْ/ ۵۳ «بزودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درونشان به آنها نشان خواهیم داد تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.»

و درود و سلام بر اشرف انبیا و مرسلین که اولین آیات نازل شده بر او، این آیات بود: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» علق/ ۵-۱ «از همه» بزرگوارتر است همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست، یاد داد» و درود و سلام بر همه ی خاندان و صحابه آن حضرت (ص) و بر همه ی کسانی که روش آن حضرت را پیمودند و تا قیامت دنبال می کنند و اما بعد خداوند، انبیا و مرسلین را بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد و آنها را با معجزاتی تأیید کرد تا به عنوان دلیل و حجتی در برابر قوم آنها باشد؛ سپس هنگامی پیامبر به سوی قوم خود می آمد، می گفت: «إِنِّي رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ» «من فرستاده ای از جانب خدا به سوی شما هستم» می گفت و پیام و آیینی را آورده ام، قوم از او دلیلی برای اثبات گفتارش طلب می کردند... پس باید معجزاتی با او می بود که صحت ادعای او و راستی و صدق گفتارش را در تبلیغ از جانب خداوند (تعالی) تأیید می کرد... و باید معجزه از اموری باشد که احدی نتواند مانند آن را بیاورد... و همچنین باید از اموری باشد که قوم او در آن امر درخشیدند تا گفته نشود که پیامبر با قومش به امری تحدی می کرد که نمی شناختند و از آن بهره ای نداشتند... و فقط تحدی در کاری صحیح است که مردم در آن سر رشته دارند تا تحدی ارزشمند باشد و به این سبب ملاحظه می کنیم که معجزه ی هر پیامبری در زمینه ای بوده است که قوم او در آن نبوغ داشته اند.

ابتدا در دوره ی حضرت موسی «ع»، «سحر» در صدر زندگی اجتماعی آنها بود... پس معجزه ی آن حضرت عصا بود. از نوع آنچه که آن قوم در آن نبوغ داشتند و لیکن آن عصا سحر نبود، آن تجلی سحر بود ولی سحر نبود... پس هنگامی که عصا را انداخت تبدیل به ماری شد و شروع به بلعیدن ریسمانها و عصاهایشان کرد و ساحران به خوبی تشخیص دادند که ممکن نیست که آن سحر باشد.

و حضرت عیسی «ع» به پیامبری مبعوث شد در حالی که قوم او در علم طب برتری داشتند پس برای آنها معجزه ای آورد از نوع آنچه در آن سرآمد بودند؛ پس کور مادرزاد و پیس را شفا داد، علاوه بر آن در یک امر دیگر بر آنها برتری یافت که کسی بعد از آن هم به این امر دسترسی نیافت ... پس مرده ها را زنده گرداند ...

دانشمندان می گویند: آن معجزاتی که خداوند، پیامبرش حضرت محمد «ص» را به آنها تأیید کرد بر دو نوعند:

الف: معجزاتی که قوانین و سنت های طبیعی را نقض کرده است مثل معجزه ی شق القمر و جاری شدن آب از میان انگشت های شریف آن حضرت و معجزات بسیاری دیگر و آنها معجزاتی طبیعی هستند که صحابه و دیگران در زمان آن حضرت مشاهده نمودند، اما کسانی که بعد از آن حضرت پا به عرصه حیات گذاشته اند فقط نام آن معجزات را شنیده اند بدون این که آنها را ببینند و تصدیق کرده اند زیرا برای آنها به تواتر و سند تاریخی صحیح نقل شده است.

ب: معجزه ی ماندگار و همیشگی، و آن قرآن کریم است که روح الامین آن را بر قلب سید المرسلین با زبان عربی روشن نازل کرده است تا از بیم دهندگان باشد و آن معجزه ای است که صاحبان عقل و فکر را برای همه ی زمانها مورد خطاب قرار داده و می تواند هر کسی بگوید: محمد رسول الله است و این قرآن معجزه ی اوست.

قطعاً معجزه ی مادی محسوس، یکبار واقع می شود و کسی که آن را ببیند به آن ایمان می آورد و کسی که آن را ندیده است، از آن با خبر می شود لیکن آن اعجاز قرآن است که فصیحان و ادیبان عرب را بهت زده کرده در حالیکه آن حضرت (ص) در میان امتی که در شعر و بلاغت و بیان سرآمد بودند مبعوث شد و برای آنها معجزه ای آورد که از جنس آن چیزی بود که در آن سرآمد بودند، علاوه بر آن، آنها را عاجز ساخت از اینکه مانند آن را بیاورند، هر چند یک سوره مانند آن باشد. این معجزه ی جاودانه و این تحدی در قرآن فقط برای عرب نیست بلکه برای جمیع عالم است. ابتدا اعجاز بیانی و لغوی قرآن کریم همان به مبارزه طلبیدن عرب در آنچه که در آن به نبوغ رسیده

بودند، می‌باشد؛ لیکن قرآن کتابی است که برای همه‌ی امته‌ها با اختلاف زبانهایشان معجزه می‌باشد پس تحدّی برای غیر عربها کدام است؟ زیرا این قرآن تا قیام قیامت باقی است، پس لازم است برای همه‌ی عالم در هر زمان و مکانی معجزه باشد و به این سبب برای قرآن معجزاتی است در زمان نزول، بعد از زمان نزول، همه‌ی این معجزات پیوسته از زمان نزول تا روزگار ما و تا قیام قیامت استمرار دارد، تا معجزات خداوند را در طول روزگار برای ما آشکار گرداند.

آن دوران‌هایی که عرب زبانها، هنگام شنیدن بیت شعری یا بیان جمله‌ای بلاغی به وجد می‌آمدند و با آن فرهنگ ادبی راز عظمت قرآن را درمی‌یافتند به پایان رسید و با پایان آن دوران ذوق ادبی درمیان امت عرب به سبب دورشدنش از فرهنگ ادبی عظیم در محاورات و معاملات پایان یافت، پس بیشتر مردم، امروز چیز زیادی از فصاحت و بلاغت قرآن را درک نمی‌کنند، علاوه بر آن از شناخت عمقی قرآن هم بهره‌ای ندارند، ولی بیشتر مردم لغات اروپایی را که به زبان عربی راه یافتند درک می‌کنند و این بالاترین درجه‌ی نادانی است که امت عرب از میراث و فرهنگ خود عدول کرده و این حالت است که هرگز قوم عرب بلاغت قرآن و اسلوب زیبای آن را درک نخواهد کرد. بنابر این آیا رسالت پیامبر با حضرت محمد(ص) پایان یافته است؟ خیر، رسالت آن حضرت(ص) پایان نیافته و هرگز تا روز قیامت پایان نخواهد یافت.

پس همانطور که به آن حضرت(ص) آیاتی عطا شد که اهل آن دوره به آنها ایمان آوردند، اهل این عصر و عصرهای بعدی به آن آیات، ایمان خواهند آورد هرچند که این عصر با سیطره‌ی علم و مفاهیم علمی با افکار آنها تفاوت دارد. ولی در لابلاهی صفحات قرآن کریم اشارات و ظرافت‌های علمی وجود دارد که بسیاری از حقایق را در زمینه‌ی هستی و طب و معارف علمی گوناگون در برمی‌گیرد که از علوم جدید با فاصله‌ی بیش از هزار و چهار صد سال سبقت گرفته است.

قرآن به عموم بشر تأکید کرده است که این قرآن حقّ و صدق است.

پس خداوند فرموده است: «سُرِّیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ یَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» فصلت/ ۵۳ قرآن نگفت: «سُرِّیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْأَرْضِ» بلکه فرمود: «فِی الْآفَاقِ» یعنی خداوند سبحانه و تعالی بعضی از آیاتش را بزودی برای آیندگان آشکار خواهد کرد تا برای آنها بیان کند که این قرآن صدق و حقّ محض است.

آن همان حقایق طبیعی است که بعد از صدها یا هزاران سال به آن دست خواهند یافت و درک خواهند کرد که قرآن به بسیاری از آنها اشاره کرده و با بیان این آیات بر آنها سیقت گرفته است و در آن زمان برای آنها روشن خواهد شد که این قرآن حق است زیرا آن کلام خداست و آن کس که عالم را خلق و ایجاد کرد؛ همان خداست.

این کتاب عظیم بر پیامبر اُمّی نازل شده است که به مدرسه نرفته و از مرکز علمی و دانشگاهی فارغ التحصیل نشده، پس چگونه این حقایق را که در این عصرها آشکار شده، شناخته است. جواب آن را در این سخن خداوند بلند مرتبه می‌یابیم. « نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ » (شعراء / ۱۹۵-۱۹۳)

« اَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اَنَا لَهُ لَحَافِظُونَ » «حجر/ ۹»

و در پایان اضافه می‌نماید که این تلاش ناچیزی است که عرضه می‌کنم، آنچه را که خداوند «عَزَّوَجَلَّ» برای من از آیات قرآن عظیم میسر کرده است و علوم جدید نیز آن را تصدیق کرده و دلیلی محکم است بر اینکه در قرآن کریم براهین علمی و حقایق درخشانی وجود دارد.

همانا قرآن کریم کتاب خداوند «عَزَّوَجَلَّ» و اسلام دین حقیقت و علم است و از خداوند می‌خواهم که به من راستی در گفتار و اخلاص در عمل را ارزانی دارد و خداوند به باطن انسان آگاه است.

جسر الشغور - ناحیه بداما

۱۹۹۳/۵/۱۰

محمد سامی محمد علی

دعوت قرآن به علم

قرآن کریم عموم مردم را به علم و تفکر در آفرینش آسمانها و زمین دعوت کرده و مقام و منزلت علما را بالا برده است. بدیهی است از همان ابتدای وحی باید بپذیریم دلالت حسن شروع وحی را که رسالت پیامبر اسلام بدان آغاز شد، دعوت به آموزش علم است.

این شروع نیکو، تولد دوره‌ی جدیدی را برای انسانیت اعلام می‌کرد و اولین کلمه برای امت پیامبر امّی کلمه‌ی «إِقْرَأْ» است که در آن وجوب و تشویق بر این امر است.

و انجام به این تکلیف در حد امکان و با فعل امر «إِقْرَأْ» با سخن گفتن از نعمتهای خداوند «عَزَّوَجَلَّ» همراه شده است و از جمله این نعمت‌ها «علم و تعلیم» است که در پنج آیه‌ی اول سوره‌ی علق آمده است: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» «بخوان بنام پروردگارت که خلق کرده انسان را از خون بسته بخوان به نام پروردگار بلند مرتبه‌ات، که با قلم به انسان آموخت آنچه را نمی‌دانست.» و این تکلیف واجبی است که آیات کتابی را که بر مبنای حکمتی روشن قرآن نامیده شده است آن را بیان نموده، تکلیف کننده، همان خداوندی است که «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» الرحمن / ۴-۱ و او خداوندی است که قسم خورده است به «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» قلم / ۲-۱ و به لطف و برکت قرآن، آن مردم بیسواد و اعراب خشن به فقیهان، بلکه حکیمان تبدیل گشتند.

همانا قرآن به علم از این دیدگاه که راه سیادت و آقایی انسان است، می‌نگرد و در بینش قرآن علما جایگاه احترام و آقایی هستند و بزرگداشت حضرت آدم (ع) به برکت آنچه خداوند تعالی از علم اسماء به آن حضرت بخشیده است، می‌باشد و خداوند تعالی مقام ارجمند و والایی را برای کسانی که ایمان آوردند و عالم شدند، تضمین کرده است و خداوند مقام علما را از مقام دیگر مردم بالاتر برده است پس خداوند تعالی می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» مجادله / ۱۱ «و کسانی را که دانشمندند بر حسب درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است» و علم از جمله اموری است که خداوند تعالی به پیامبرش امر فرموده

که افزایش آن را از خداوند طلب کند پس خداوند سبحان به او فرمود: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» طه / ۱۱۴ «و بگو پروردگارا بر دانشم بیفزای»

و از جمله آیات قرآن کریم که مقام علم و علما را بالا برده این آیه است:
 «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» زمر / ۹ «بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند.»
 در این آیه خداوند تعالی علم و اهل علم را شرافت بخشیده است و آنها را از دیگران مشخص کرده سپس خداوند «عَزَّوَجَلَّ» تذکر و یادآوری به صاحبان خرد (عقلا) اختصاص داده و جز علم مشخصه‌ی دیگری برای اولوالالباب نیست و علمی که اسلام به آن دعوت می‌کند علمی است که جهل دینی و دنیوی را برطرف کند و لازم به یادآوری است که کلمه‌ی (علم) و مشتقات آن و شکلهای مختلف آن بیشتر از ۵۰۰ بار در قرآن کریم وارد شده است.

علم راهی است به سوی خداوند

هرگاه انسان در پدیده‌های هستی و آنچه هستی را احاطه کرده است فکر کند. او (خورشید) را می‌بیند که به عالم نور و روشنایی می‌بخشد و آن را یکی از اصول زندگی می‌یابد که وجودش ضرورت دارد و زندگی مردم و گیاهان بدون آن امکان پذیر نیست و انسان (ماه) را مشاهده می‌کند که نور و درخشش آن شب به شب افزایش می‌یابد تا هلال و نور آن کامل می‌شود و دو مرتبه انسان آن را مشاهده می‌کند که شب به شب در زمانی مشخص که در تمامی طول روز و ماهها تغییر نمی‌کند هلال ماه رو به کاستی می‌گذارد و آن را یکی دیگر از اصول زندگی در دگرگونی امواج و آب دریاها می‌بینیم و دلیلی — هدایت کننده برای مسافرین در شب می‌باشد و هرگاه انسان (افلاک و کواکب) را به دقت بررسی نماید می‌بیند که کرانه‌های آسمان و زینت آن را نور افلاک و کواکب پرکرده است و اگر انسان از خودش سؤال کند حیات چگونه بود اگر شب یا روز دائمی می‌شد هرآینه در پیش خود حکمت واضح و روشنی در وجود شب و روز می‌بیند و همانا آن دو با هم دو دلیل است بر وجود خالق قادری که خورشید را درخشان و ماه را تابان فرمود و سیرماه را در منازل معین کرد تا مردم شماره‌ی سنوات و ایام را بدانند و هرگاه انسان به «آب» نظر کند که یکی از مبانی حیات برای هر مخلوق است و از کمیت موجود آب در زمین و از ترکیب آن و از کسانی که از آن استفاده می‌کنند، سؤال کند و اینکه یک قسم از آب شیرین و گوارا است و قسم دیگر آن تلخ و شور است، می‌فهمد که آب ایجادکننده‌ای دارد که آن را با اراده‌اش به وجود آورده و از آسمان فرو فرستاده،

رودخانه‌ها و دریاها را آفریده است و اگر انسان به (اشاره مردم) نظر کند و علم وراثت را بررسی کند، هر آینه سبب تنوع اشکال و رنگ هایشان را خواهد فهمید، خواهد فهمید که خداوند یکتا همان خدایی است که مردم را گروه گروه و قبیله قبیله آفرید و به هر یک از آنها غرایز و مزایای خاصی اختصاص داد و می‌فهمد که غیر از خدا آفریننده‌ای در هستی وجود ندارد و اثری از تصادف در ایجاد مخلوقات بر خلاف نظر بعضی‌ها وجود ندارد، بلکه هر چیزی که خلق شده از جانب خداوند تعالی است و به این امر، خداوند به عظمت آفریننده‌ای که شبیه و مانند او چیزی نیست و او شنوا و آگاه است، اشاره فرموده است. قطعاً علم، طریقی است که خداوند با آن شناخته می‌شود و انسان را به او می‌رساند خداوند در این آیه حق عظمت علم را مشخص کرده است «وَأِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعِلْمَاءُ» فاطر / ۲۸. «فقط بندگان دانشمند خدا از او می‌ترسند.»

خداوند تعالی فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ» وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. روم/ ۲۴-۲۱ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید. تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانشان مودت و رحمت قرار داده، در این نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند. و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبانها و رنگهای شماس است در این نشانه‌هایی است برای عالمان و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش) در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند و از نشانه‌های او این است که برق و (رعد) را به شما نشان می‌دهد که هم مایه‌ی ترس و هم مایه‌ی امیداست (ترس از صاعقه و امید به نزول باران) و از آسمان، آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش به وسیله‌ی آن زنده می‌کند در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.»^۱

^۱ نگاه کن به: التریب الاسلامیة لعام ۱۹۶۸ ص ۱۲۸

دعوت اسلام به علوم دنیوی

قرآن کریم به فراگیری انواع مختلف علوم دنیوی دعوت و تشویق کرده است. همانا این همان قرآن است که به علوم طبیعی این چنین دعوت می‌کند. خداوند تعالی فرمود: «و آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه و از انسانها و جنبندها و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است. از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند، خداوند توانا و آمرزنده است.» فاطر/۲۸-۲۷

تفسیر فرود آمدن باران از ابرها جز به شناختن قوانین (فیزیک و شیمی) شناخته نمی‌شود. و روییدن گیاه و میوه دادن به وسیله ی علم (گیاه‌شناسی) و کوه‌ها و راههای سفید و سرخ و سیاه آن با علم (زمین‌شناسی) بیولوژی و گونه‌های مختلف انسان و جنبندها و چهارپایان با علم (انسان‌شناسی و حیوان‌شناسی) شناخته می‌شود، به این دلیل خداوند تعالی می‌فرماید: «وَأَنَّمَا يُخَشِيَ اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند.» خداوند (جلّ شأنه) خشیت کامل از خودش را به علما و کسانی که پدیده‌های طبیعی را مطالعه و تحقیق می‌کنند، محصور کرده است. زیرا هر گاه علما مؤمن باشند علمشان به اسرار طبیعت، آنها را به ترس آگاهانه خداوند که خالق و ایجاد کننده و واضع قوانین طبیعت است وادار می‌کند.

دعوت به علم زیست‌شناسی در قرآن آمده است، خداوند تعالی فرمود: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» الطارق/۷-۵

«انسان مغرور در بدو خلقت خود بنگرد که از چه آفریده شده است، از آب نطفه‌ی جهنده خلق گردیده است که از میان صلب پدر و سینه‌ی مادر بیرون آمده است.» پس احوال آفرینش چنین مربوط به علم زیست‌شناسی و تشریح و طب است. و دعوت به مطالعه‌ی علم تاریخ و اجتماع در قرآن آمده، خداوند تعالی فرمود: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا

الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» روم ۹/

«آیا سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینیان را بنگرند که از اینها بسیار تواناتر بودند و پیش از اینها در زمین کشتزار و کاخ و عمارت برافراشتند و رسولان خدا با آیات و معجزات برای هدایت آنان آمدند و خدا در باره ی آنها هیچ ستم نکرد، بلکه آنها خود در حق خویش ستم کردند.» و همچنین خداوند فرمود: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ»^۱ ق/ ۳۶ «چقدر طوایفی را پیش از اینان هلاک ساختیم که با قهر و قوت تر از اینها بودند و در هر دیار راه جستند آیا با همه ی نیرومندیشان هیچ راه فراری یافتند» و دعوت به کیهان شناسی نیز در قرآن آمده است.

این ها عناوینی است که سوره های قرآن کریم که در ذیل می آید بر قلب حضرت پیامبر «ص» نازل شده است. این عناوین که سوره ها با آنها نشاندار شده است، عبارتند از: «الرَّعْدُ - النُّور - الدُّخَان - الْقَمَر - الْمَعَارِجُ - التَّكْوِير - الْأَنْفِطَار - الْبُرُوجُ - الطَّارِق - الْفَجْر - الشَّمْس - الضُّحَى - اللَّيْل - الْزُّلْزَلَة» این عناوین ذکر شده اند برای اهمیت مطالعه و بررسی ستاره و ماه و خورشید و بروج.

و اگر بخواهیم همه ی چیزهایی را که راجع به دعوت اسلام آمده است شمارش کنیم سخن به درازا می کشد.^۲

پس قرآن نظر ما را همچنین به مطالعه ی جانورشناسی جلب می کند، در اینجا سوره های قرآنی را که عناوین آنها در این مورد است به ترتیب ذکر می کنیم: «الْبَقَرَة - الْآنْعَام - النَّحْل

^۱ الاسلام فی قفص الاتهام، شوقی ابوخلیل ص ۲۱۲

^۲ الاتمان بین العلم و الدین - شوقی ابوخلیل ص ۱۳

«الْأَنْمَلُ - الْعَنْكَبُوتُ - الْفِيلُ» به اضافه ی ده ها آیه که زندگی حیوان و فوایدش را ذکر می کند.^۱

همین طور در اینجا دعوت قرآن کریم به علم تغذیه و گیاه شناسی و اتم را خواهیم یافت، همان طور که در این بحث آن را می یابیم.

اسلام تا آن حد طلب علم را عظیم شمرده است که همه ی امت گناهکار محسوب می شوند، هرگاه دانشمندان تمام همت خود را در تخصصهای مختلف صرف فراگرفتن این علوم نمایند. تا آنجا که فقها گفته اند: «هرگاه امت اسلامی به صد نفر عالم در رشته های مختلف نیاز داشته باشد و فقط در بین آنها نود عالم یافت شود، تمام امت گناهکار است تا اینکه نیاز خود را در این زمینه برطرف سازد.»^۲

برتری اسلام بر سایر ادیان به علم است

چون قرآن کریم در اصل کتاب دانشمندان است که علم آنها ایشان را شایسته می سازد که در آیاتش تدبیر کنند و اهدافش را بفهمند. علم به نظر قرآن تنها سبب ایمان و وسیله ی راهیابی به سوی آن است و علم تنها خصیصه ای است که اسلام با آن ممتاز و از سایر ادیان مشخص می شود. «قدیس انسلم» جایگاه مسیحیت را با این گفتارش روشن می سازد: «لازم است ابتدا به آنچه بر قلب تو عرضه می شود بدون تفکر اعتقاد پیدا کنی سپس بعد از آن در فهم آنچه اعتقاد داری کوشش نمایی پس در این دیدگاه ایمان، نیازمند به عقل نیست.»

اما اسلام، تماماً با این دیدگاه در تناقض است. زیرا در اسلام طریق شناختن خدا با عقل است و معیار تکلیف عقل است و اسلام به روشنی مشخص کرده که علم تنها سبب ایمان و خشیت از خداوند و راه تصدیق دین است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» فاطر / ۲۸ «تنها بندگان دانشمند، از خداوند می ترسند و خداوند توانا و آمرزنده است» پس گوش دادن به آیات کتاب آفرینش، خشیت را در قلبهای دانشمندان می کارد. و خداوند مقام علما را بالا برده و آنها را به جایگاهی رفیع رسانده است. پس خداوند فرمود: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ

^۱ غریزه یا تقدیر الهی د. شوقی ابوخلیل ص ۱۰

^۲ الاسلام فی قصص الانبیاء د. شوقی ابوخلیل ص ۲۱۳

أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ « مجادله / ۱۱. » خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان علم داده شد، درجات عظیمی می‌بخشد.^۱

آیات متعددی در قرآن کریم وارد شده است که یادآوری می‌کند، در درجه ی اول این کتاب، کتاب صاحبان علم است قبل از این که کتاب جاهلان باشد.

« كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » فَصَّلْتَ / ۳. « کتابی که آیاتش هر مطلبی را درجای خود بازگو کرده در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاه اند»

« وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ » عَنكَبُوت / ۴۳. « اینها مثال هایی است که ما برای مردم می‌زنیم و جز نادانان آن را درک نمی‌کنند. »

صُورِ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ » عَنكَبُوت / ۴۹. « ولی این آیات روشنی است که در سینه ی دانشوران جای دارد و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند»

« وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اللَّسِنَتِمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ » روم / ۲۲. « و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبانها و رنگهای شماست در این نشانه

هایی است برای عالمان»

« وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » بَقَرَة / ۲۳۰. « اینها حدود الهی است که خداوند آن را

برای گروهی که آگاهند بیان می‌کند.»

« قَدْ فَصَّلْنَا آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » انعام / ۹۷ « ما نشانه های خود را برای کسانی که می‌دانند

بیان داشتیم. »

« وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » انعام / ۱۰۵ « و این چنین

آیات خود را تشریح می‌کنیم بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده‌ای» می‌خواهیم آن را برای کسانی

که آماده درک حقایقند روشن سازیم.»

« إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » زمر / ۹. « تنها خردمندان متذکر می‌شوند.»

^۱ حقوق الانسان في الاسلام، محمد عمارة ص ۷۶

«انَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ» طه / ۱۲۸. «مسئلاً در این امر نشانه های روشنی برای خردمندان است»

قرآن کتاب علوم طبیعی نیست

قرآن کریم «ذاتاً» کتاب کیهان شناسی یا پزشکی یا علم تشریح نیست. همانا قرآن کریم به خاطر این حقایق علمی که «از نظر اهمیّت» در درجه ی دوم در زندگی انسان به شمار می‌روند نازل نشده بلکه برای هدایت انسان نازل شده است و فقط برای هدایت مردم و آشکار شدن هدایت و تمیز حق از باطل نازل شده است. قرآن کتابی است که مجموعه ی احکام شرعی، اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی را در برگرفته است. راه و روش درست زندگی انسان را در مسیری که سعادت حقیقی انسان را در دنیا و کامیابی او را در زندگی آخرت تضمین می‌کند بیان کرده است. اشارات و دقایق علمی از کیهان شناسی و پزشکی در قرآن آمده است تا عقل را مخاطب قرار داده و ثابت کند که آن وحی است که خداوند به پیامبر خدا «ص» وحی کرده تا معجزه ی آن حضرت در همه ی مکانها و زمانها باشد تا برایمان مؤمن بیفزاید و نظر غیر مؤمن را به صحت این کتاب کریم جلب کند.

قرآن کریم کتابی است که بر ما نازل شده تا احکام را به ما تعلیم دهد و نازل نشده تا جغرافیا یا شیمی یا علوم به ما یاد بدهد و به موقع می‌گوییم: «قرآن کریم برای ما معجزاتی را ذکر کرده است که تاکنون علم بشر به بعضی از آنها نرسیده و این قطعاً صحیح است» این معجزات، اموری است که حقایق عالم به آن منتهی می‌شود و قرآن اگر چه نیامده تا به عنوان مثال به ما پزشکی را بیاموزد بلکه آمده تا به یک قضیه ی طبی اشاره کند و ما را به دقایق آن خبر دهد و علم طب به آن قانون علمی نرسیده مگر بعد از صدها یا هزاران سال، به عنوان مثال قرآن در جغرافی، نمونه ای را می‌آورد و قضیه ی مهمی را طرح می‌کند که آن را بعد از صدها سال شناختیم. قرآن تأیید می‌کند: حقایقی که بر اساس آن هستی خلق شده، قوانین علمی است.^۱

^۱ معجزات القرآن. محمد متولی شعراوی ص ۴۷

کشیدن قرآن به علوم جدید و دور کردن از آن هر دو خطاست

اختلاف در بین طرفداران این دو روش در تفسیر قرآن کریم بسیار گسترده شده است، گروهی تلاش می‌کنند که آیات قرآن کریم را کاملاً بر علوم جدید تطبیق کنند، در این روش آیات قرآن بر نظریاتی حمل شده که قطعاً توان پذیرش این اهداف را ندارد و گروه دیگر قرآن را از فرو رفتن در آن علوم باز می‌دارند و برای هریک از پیروان دو طریقه، در این مسأله، نظر خاصی است و تاکنون این دو گروه، نتوانسته اند به معیاری پردازند که این قضیه حل شود و بدون اختلاف در مسیر واحدی اجماع کنند.

دیدگاه طرفداران نظریه ی اول:

قرآن کریم، اشارات متعددی را در زمینه ی علوم مختلف بیان نموده و به مطالعه در آفاق دعوت کرده است اگر آخرین نظریاتی که علم مدرن در میدان اکتشافات و اختراعات علمی به آن رسیده بررسی شود و بر آیات قرآن تطبیق شود - اگر چه با سختی باشد - قطعاً، استحکام دلیل و اقتدار وسبقت از آن قرآن است.

دیدگاه طرفداران نظریه ی دوم:

قرآن کریم کلام خداوند است و این تئوری علمی که آن را بر آیه ی قرآن تطبیق می‌کنیم «احتمال دارد» اشتباه آن آشکار شود، پس در تنگنایی گرفتار خواهیم شد که با کشیدن آیه به این معنی که خطای آن بعد آشکار می‌شود پایان خوش آیندی نخواهد بود. و لیکن حق مطلب این است که در اینجا «نظریه» و آنجا «قانون مسلم علمی» مطرح است. نظریه، گاهی بطلان آن ثابت می‌شود و گاهی نظریه ی دیگری مطرح می‌شود که نظریه ی سابق را نقض می‌کند، پس نظریه بین اثبات و ردّ در چرخش است، اما حقیقت علمی، عبارت از قانونی است که اجماع بر صحت آن به اتمام رسیده است و همه ی دلائل و قرائن علمی بر صدق و صحت آن دلالت می‌کند.

نظریه - همان چیزی است که بین رد و اثبات در چرخش است - و برای ما تطبیق آن بر آیات قرآن صحیح نیست، اما محال است قانون مسلم علمی با آیه ی قرآن در تناقض و تضاد باشد و ما در آینده و حال با پیدایش قانون مسلم علمی که با قرآن کریم مخالف باشد، به تحدی دعوت می کنیم. بنابر این مطلقاً هیچ مانعی وجود ندارد که حقیقت علمی را بر آیه ی قرآن که انظار را به اشارات علمی طبیعت جلب کرده است، تطبیق کنیم. ولی بر ما لازم است، در حالی که در اسرار قرآن کریم برای استخراج دُرّها و مرواریدهای علمی تلاش می کنیم، تفسیر مان را مطابق با شروطی قرار دهیم که علمای تفسیر، آنان که به روشهای بحث عنایت کامل دارند، بر آن تأکید کرده اند.

□ معیار صحیح

سؤال: آن معیاری که صحت یا بطلان تفسیر آیه حول آن دور می زند، چیست؟

جواب: این معیار تحقق پیدا نمی کند، مگر در بیشتر از همان معیار که در تفسیر هر کلام عربی بر آن اعتماد می کنیم و این معیار از مبانی وارکان ذیل ایجاد می شود:

- اول: مطابقت تفسیر، با دلالت های زبان عربی و قواعد زبان که هیچ اختلافی در آن نیست.
- دوم: مطابقت تفسیر، با قواعد تفسیر احادیث که مورد اتفاق همه ی مفسرین است، مانند احکام عامّ و خاصّ، مطلق و مقید، مفهوم و منطوق و سایر قواعد.
- سوم: این تفسیر، تعارض شدیدی با مضمون هیچ یک از آیات دیگر، در قرآن کریم نداشته باشد، به نحوی که امکان جمع بین آن دو آیه، با قاعده ای از قواعد تفسیر متون دینی میسر نباشد.
- چهارم: این تفسیر، تعارض شدیدی با دلالت ثابت حدیث نبوی نداشته باشد به نحوی که این تعارض راهی برای توافق بین آن دو باقی نگذاشته باشد.

با این شرایط چهارگانه، ملاکی ایجاد می شود که از حکم کردن به آن برای تفسیر آیه ای از قرآن کریم، چاره ای نیست و آن ملاکی است که علمای زبان عرب و تفسیر و اصول، همه بر آن اتفاق نظر دارند و آن قاعده ی مشترکی را بیان می کند که هریک از بزرگان دو مدرسه ی «تفسیر نقلی» و «تفسیر به رأی» در مورد آن با یکدیگر بحث و گفتگو کرده اند. پس هیچ یک از پیشوایان تفسیر نمی تواند به اندازه ی تارمویی، خودش را از دایره ی این معیار خارج کند، خواه از مفسرین

نقلی یا اجتهادی باشد و هیچ یک از امامان تفسیر نقلی را نیافتیم که هر نوع تفسیر اجتهادی را که به این ملاک مقید باشد، تحریم کند یا انکار نماید هر چند، آن را روش تفسیری خود نگرفته باشد. و داستان این دو طریقه ی تفسیر قرآن در پرتو علوم جدید، جز امتداد دو مدرسه ی تفسیر نقلی و اجتهادی نیست و بین اینها اختلاف ایجاد نشد مگر برای اینکه آنها به بندهای این میزان حکم نکردند، همانطور که پیشوایان سابق تفسیر به آن حکم کردند. بنابراین هر گاه مفسر کتاب خدا به بندهای چهارگانه این ملاک، صادقانه و درست پایبند باشد، پس تأویلی باطل است که انکار کنیم، آن معنی را که به آن رسیده ایم، هر نوع معنی که باشد و به هر علمی که متعلق باشد، اما هرگاه به این میزان صادقانه و دقیق ملتزم نباشد، پس از حق دور می شویم که بپذیریم آن معنی را که تفسیرش به آن منتهی می شود، خواه به علوم طبیعی جدید، یا به احکام دینی یا به هر چیز دیگری متعلق باشد و از اینجا روشن می شود که وارد شدن در بحث و گفتگو پیرامون صحت تفسیر قرآن به علوم جدید یا عدم صحت آن بدون توجه به این میزان، قطعاً وارد شدن در امریست که فضیلتی ندارد و وارد شدن در سخنی است که نتیجه ای ندارد. و اکنون دو نمونه از نصوص قرآنی را عرضه می کنیم و بعد از حکم کردن به میزان مذکور در فوق انطباق آیه یا عدم انطباق آن را بر آنچه که تفسیرش را اراده می کنند، نشان خواهیم داد.

نظریه ی تکامل

خداوند تعالی می فرماید: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» نوح / ۱۴- ۱۳. «چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید.» بعضی از افراد از این آیه برداشتی نموده اند که در آن دچار لغزش عظیمی شده اند و آن به این سبب است که «گفته اند» که آیه از تکامل با عبارت و بیانی روشن سخن گفته است. بلکه دلالت قطعی دارد که آفرینش انسان بر اساس تکامل تدریجی انواع بوده است، بنابر این آیه، سبقت علمی قرآن را بر نظریات «لامارک» و «داروین» و سایر معتقدان نظریه ی تکامل انسان از انواع یا اجناس موجوداتی که مراحل ناقص تر را پشت سر گذاشته اند بیان کرده است.

آیا ملاک و معیار تفسیر آیات قرآنی در این مورد با پذیرش این تفسیر مساعدت می‌کند؟

قطعاً، هرگز ملاک مذکور با این تفسیر هماهنگ نمی‌باشد، به این دلیل که برگرداندن کلمه ی «اطوار» به این معنی با آیات صریح دیگر، تناقض شدیدی دارد به عنوان مثال با این گفتار خداوند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» تین/ ۴. «ما انسان را در بهترین شکل و نظام آفریدیم» و معروف است که حرف «ال» در «الانسان» برای جنسیت است. پس آیه دلالت قطعی دارد بر اینکه خداوند تعالی جنس انسان را در نیکوترین شکل وجودی ابداع کرده است و این نظر، با این تصور که انسان از موجودات دیگر دنیا تکامل یافته است، کاملاً تناقض دارد، به سبب اینکه جنس این فصایل - بنابر این تصور - واحد است و افرادی که در ضمن این جنس به احسن تقویم تکامل یافته‌اند، به یک دهم همه ی افراد این جنس نمی‌رسند.

این امر به این سبب است که کلمه ی «اطوار» در این آیه، قطعاً تفسیرش را «آیه ی ۶ سوره ی زمر» با صراحت به عهده گرفته است: «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» «شما را در شکم های مادرانتان آفرینشی در میان آفرینش دیگر در میان تاریکی های سه گانه می‌بخشد».

علاوه بر آن، آنچه در خود قرآن ثابت شده، اینست که آفرینش اولیه ی انسان از آمیزش آب و خاک و سپس نطفه است. و تمام این مطلب را گفتار خداوند در این آیه تفسیر کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ» حج/ ۵. «ای مردم اگر در رستخیز شک دارید، ما شما را از خاک آفریدیم سپس از نطفه و بعد از خون بسته شده سپس از مضغه «چیزی شبیه گوشت جویده شده» که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم.»

پس بنگر: اگر معنی آیه را به طور بکشانیم، چه مفاسدی را به بار خواهد آورد؟

اشکال اول: آگاه شدن به مقصود آیه، صریحاً با تصور نظریه ی تکامل در تناقض کلی است.

اشکال دوم: آیات دیگر قرآن، با بیان معنی مقصود کلمه ی اطوار، در تناقض است.

اشکال سوم: تحمیل کردن مسؤولیت تأیید این نظریه - بلکه این قضیه - بر قرآن که هنوز به عنوان برهان تأیید نشده است، بلکه براهین و دلایلی بر بطلان آن وارد می‌باشد.^۱

اما هنگامی که تفسیر علمی آیه ی قرآن، شرایط ذکر شده را کاملاً دارا بود، بر تو مطلقاً اشکالی وارد نیست که آیه را در پرتو فهم علمی توضیح دهی و اگر بخواهی به دلیل این که این تفسیر بعضی از علوم طبیعی را در بر می‌گیرد، از پذیرفتن آن روی برتابی. این همان دور شدن از حق و تأویل بی راهه رفتن است که هیچ مفهومی ندارد.^۲ و آنچه را که در این بحث قصد کردم، از قبیل تفسیر علمی آیات قرآن کریم در پرتو شروط ذکر شده در مقدمه بحث است.

ماه، جسمی سرد

قرآن، هرگاه از خورشید سخن گفته: آن را به «سراج و مضيئ» وصف کرده و هرگاه از ماه سخن گفته: آن را به «منیر» وصف کرده پس سراج و اضائة دو صفت دایمی خورشید و إنارة صفت دایمی ماه است، این آیات را با دقت بررسی کن: «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا» فرقان/۶۱. «جاودان و پر برکت است آن خدایی که در آسمان منزلگاههایی برای ستارگان قرار داد و در میان آن «سراج» چراغ روشن و ماه تابانی آفرید»

«أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا» نوح/۱۶-۱۵. «آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری

^۱ نظر کن به دلایل بطلان نظریه ی تکامل در کتاب کبری الیقینیات الکونیه للدکتور البوطی ص ۲۵۳ چاپ هشتم و کتاب العقیده

الاسلامیه و الفكر المعاصر للدکتور البوطی ص ۲۲۷

^۲ از جمله تفاسیری که جهت‌گیری علمی کرده است، تفسیر الشیخ الطنطاوی الجوهری است که بعضی راجع به آن گفته‌اند: «این

تفسیر، به جز تفسیر هر چیز دیگری را دارا می‌باشد.»

آفریده است و ماه را در میان آسمانها مایه ی روشنائی و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است»

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ» یونس/ ۵. «او کسی است که خورشید را «ضیاء» روشنائی و ماه را نور قرار داده و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد» و هرگاه به لغت عربی رجوع کنیم تا معنی دقیق هر یک از «سراج» و «مُضِئ» و «منیر» را به وضوح بیابیم و به تفاوت روشن آن دو آگاه شویم، می‌فهمیم: که به چیزی «سراج» یا «مُضِئ» گفته می‌شود که حرارت با شعاع از آن پخش می‌شود و به شیئی آن هنگام «مُنیر» گفته می‌شود: که نور از جرمی دیگر در آن منعکس شود. پس در مورد اطلاق لفظ «منیر» را به کار می‌بریم و در مورد اتقاق جز از طریق مبالغه یا تشبیه کلمه ی «سراج» را به کار نمی‌بریم.

و بنابر این بیان لغوی، آیات گذشته بیانگر این است که ماه جسمی سرد است و هیچ حرارتی ندارد، به این دلیل که برعکس خورشید نورش را از جسمی دیگر کسب کرده است. همانا فرار کردن از معنی این آیه - و حال که مطلب این طور است - و چاره ای جز پذیرفتن آن نیست در حقیقت جز پذیرفتن اندیشه متوسل شدن به هر وسیله ای برای فرار کردن از مدلولات معین قرآن در هر حال نمی‌باشد و بدون شک، این عمل تفسیر نامیده نمی‌شود به هر شکلی که باشد. از این دو نمونه انتخاب شده به وضوح برای ما روشن می‌شود که محور صحت و بطلان در تفسیر آیات قرآن، متابعت یا عدم متابعت، از معیار و ملاکی است که هیچ چاره‌ای جز پذیرفتن و پیروی کردن از آن برای تفسیر قرآن نمی‌باشد و هر گفتگویی در باره ی شناختن بهترین راه در تفسیر قرآن که این را که محل اتفاق و اجماع مفسرین است، نپذیرد، جز زنجیره‌ای از جدالهایی که در پی خود جدالهای دیگری را خواهد داشت چیز دیگری نخواهد بود.

و این ابتدای شروع به بحث اصلی بعد از بیان این مقدمات است. از خداوند بلند مرتبه و توانا توفیق در عمل و اخلاص در سعی و تلاش را خواستاریم.

اول: اعجاز قرآن در کیهان شناسی

۱/۱ اصل هستی

خداوند تعالی فرمود: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» «انبیاء» ۳۰/ «آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بهم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؟»

این آیه به ما خبر می دهد که آسمانها و زمین بهم پیوسته و متصل بودند، سپس از یکدیگر جدا شدند و این معجزه ای از معجزات قرآن کریم است که علم جدید این نظر را، که هستی مجموعه ای واحد از گاز بود سپس به ابرهایی تقسیم شد تأیید می کند و منظومه ی شمسی ما نتیجه ی آن تقسیمات است. و از جمله اموری که این نظر را تأیید می کند این است که علما استدلال کرده اند که در خورشید ۶۷ عنصر وجود دارد و هرگاه مواعی که در مورد شناخت عناصر خورشید وجود دارد، برداشته شود، تعداد عناصر شناخته شده افزایش خواهد یافت. و عناصر معروف خورشید، همان عناصر معروف زمین هستند و عبارتند از: هیدروژن - هلیوم - ازت - اکسیژن - فسفر - آهن و غیره ...

علما همی اینها را بر اثر تجزیه ی نور شناخته اند و آنچه امروز کیمیاگران در آزمایشگاهها به آن پی برده اند، این است که مواد موجود زمین از عناصر موجود در خورشید و از یک نوع و یک اندازه می باشد و خورشید ستاره ای است که سایر ستارگان در آن محقق می شوند (خلاصه می شوند) و این یعنی عناصری که هستی از آن بنا شده با همه اختلاف آن، عناصری واحد است. از طرف دیگر علما مشاهده کرده اند که شهابهای آسمانی و سنگها و خاکهای ماه که از فضای خارج به دست آورده اند، شامل همان عناصری است که در زمین وجود دارد.^۱

^۱ روح الدین الاسلامی عقیف طبارة ص ۴۹.

هستی، بنابر نظر قرآن کریم: مجموعه ای متصل و بهم پیوسته بود، «رَتَقَ: بهم پیوسته و جدائی ناپذیر»^۱ سپس شروع به انبساط در فضا کرد. و این همان برداشت علمی جدید از هستی است پس علما در خلال بحث‌ها و مشاهدات خود از پدیده های هستی به این نتیجه رسیدند که ماده در آغاز جامد و ساکن بود، به صورت گازی گرم و غلیظ و بهم چسبیده، حداقل حدود 5×10^{12} سال پیش انفجار شدیدی، در ماده ایجاد شد، سپس ماده شروع به انبساط و فاصله گرفتن از هم کرد و در نتیجه ای آن، متحرک شدن ماده، امری قطعی گشت (که طبق قوانین مادی) چاره ای جز استمرار آن نیست) آنجا که می گوید: قوه ای جاذبه، در اجزاء ماده بتدریج کم می شود و به سبب دور شدن اجزاء ماده از یکدیگر، به صورت قابل ملاحظه ای، فاصله ی بین اجزاء آن گسترش می یابد.^۲

همانا اصل هستی واحد است، و سبقت علمی در این امر با کتاب خداست و علم جدید، بعداً آن را آورده است و نظریه ی علمی، موافق با آنچه یزی است که آن را دین آورده است. «وَأَوَّلَمْ يُرَ الْذِّينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا. «انبیاء / ۳۰. «آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بهم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؟» پس اصل هستی، در کتاب خداوند عَزَّوَجَلَّ واحد است، سپس از هم جدا شده و ماده ی آن سرد شده است.^۳

۲-۲ آفرینش کیهان

خداوند تعالی فرمود: «قُلْ أَنتَکُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَٰلِکَ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ وَجَعَلَ فِیْهَا رَوَاسِیَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَکَ فِیْهَا وَقَدَّرَ فِیْهَا أَقْوَاتَهَا فِی أَرْبَعَةِ آیَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِیْنَ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِیَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِیْنَ» فصلت / ۹-۱۱. «بگو آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید، کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می دهید او پروردگار جهانیان است. او در زمین کوه های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود اینها همه در چهار روز بود درست به اندازه ی نیاز تقاضا کنندگان، سپس به آفرینش آسمانها

^۱ کلمات القرآن تفسیر و بیان لحسنین محمد مخلوف ص ۱۹۸.

^۲ الاسلام یتحدی. وحیدالدین خان ص ۱۴۵.

^۳ الاسلام بین العلم و الدین. د. شوقی ابوخلیل ص ۳۵.

پرداخت، در حالی که بصورت دود بود، و به آن و به زمین دستور داد، به وجود آیید (وشکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه از روی اکراه آنها گفتند: ما از روی اطاعت می آییم.»

قرآن صراحت دارد که آسمان در ابتدای آفرینش هستی دود بود و امروز، علم آنچه را که قرآن آورده تصدیق می کند.

سرجمیس جینز دانشمند فلک شناس می گوید: «ماده‌ی هستی از گازهایی که در فضا انتشار دارد آغاز گشته و از تراکم این گازها، سدیم «مه رقیق» پدید آمده است.» دکتر گاموف می گوید: جهان در ابتدای پیدایش مملو از گازهایی بود که در هوا با نظمی دقیق پراکنده بوده است که قرآن از منشأ آفرینش این هستی به دود تعبیر کرده است و آن همان چیزی است که عرب آن را از اشیاء ملموسه می فهمد و امروز دانشمندان از منشأ این هستی به گاز تعبیر کرده اند.»

تشبیه ماده‌ی اصلی آفرینش آسمانها به «دُخان» غیر از گرد و غبار یا بخار یا هوا، اشاره‌ای جالب و بس شگفت انگیز است به این که ماده‌ی اولیه‌ی آسمان قبل از آفرینش دارای صفات مهمی بود، شبیه صفات دود عادی که از آتش بلند می شود.

ذاتاً ماده‌ی تیره و تار، دارای اجزایی جدا از هم، سبک و منتشر شده در فضا همانطور که ابرها در فضا منتشر می شوند، تا حد زیادی گرم، شبیه دود عادی که حاوی انواع ماده‌ی سه گانه‌ی جامد، مایع و گاز است و در این مورد، سوره‌ی کاملی در قرآن کریم آمده است، که عنوان آن، معجزه‌ی علمی را در بر می گیرد و آن همان سوره‌ی دُخان است. این سوره‌ی کریمه، آیه‌ی زیر را که جزئی از عقیده‌ی مسلمانان است، ثبت کرده است:

«فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ» «دخان/ ۱۰» «ای رسول! منتظر باش روزی را که بر عذاب کافران، آسمان دودی پدید آورد.»

آیهی شریفه صراحت دارد بر اینکه همه‌ی جهان هنگامی که قیامت بر پا شود، همانطور که قبلاً دود بوده، دود خواهد گردید پس چه فراوان از حقایق علمی که همان معجزات خداوند است در کتاب خدا وجود دارد.^۱

۳-۳ تداوم هستی و گسترش آن

خداوند تعالی فرمود: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» الذاریات/۴۷. «و کاخ آسمان «رفیع» را ما به قدرت خود برافراشتیم و ماییم که بر هر کار عالم مقتدریم.»
در این آیه، به اینکه آسمان و آنچه در آن است و محدوده‌ی هستی و فلک در گسترش دائمی و پی در پی است، اشاره شده است و قرآن به آن تصریح کرده و فلک شناسی آن را به اثبات رسانده است.

گفته‌اند: که فلک و فضا شبیه بالونی است که باد می‌شود و پشت سرهم گسترش می‌یابد. و فلک شناسان در دورترین نقاطی که با تلسکوپ آن را نظاره کرده‌اند، علامات را ملاحظه نموده‌اند که بر حرکات منظم مَه خارجی دلالت می‌کند و از این مشاهدات استدلال کرده‌اند بر اینکه به نظر می‌رسد نه تنها همه‌ی «مَه خارجی» یا «جزیره‌های هستی» از منظومه‌ی شمسی ما دور می‌شوند، بلکه مجموعه‌ی پدیده‌های هستی نیز از یکدیگر دور می‌شوند و بر این اساس، هستی ساکن نیست، بلکه دائماً گسترش می‌یابد.^۲

دانشمندان اعتقاد دارند که دایره‌ی مادّه، در آغاز ۱۰۰۰ میلیون سال نوری بوده و اکنون این دایره، ۱۰ برابر دایره‌ی حقیقی گشته است.

پروفسور «آیدنجتون» می‌گوید: این گسترش و امتداد هستی، پی در پی و بدون توقف است. وی می‌گوید: «مثال ستارگان و کهکشانها، مانند نقاشیهای چاپ شده بر سطح یک بالون پلاستیکی است

^۱ الانسان بين العلم والدين. د. شوقی ابوخلیل ص ۵۷.

^۲ روح الدین الاسلامی. عقیف طبارة ص ۵۱.

که پیوسته در حال باد شدن باشد. این چنین همه ی کرات فضایی از نظایر خود با حرکات ذاتی در عمل گسترش هستی، دور می شوند.^۱

و ما این مثال را برای گسترش و توسعه ی هستی، به عنوان یک حقیقت علمی بیان می کنیم که هوبل، آن را کشف کرده است به عنوان مثال: برج ثور که ۴۱۰۰ سال نوری از ما فاصله دارد خطوط طیف دلالت می کند که با سرعت ۱۳۰۰ کیلومتر در ثانیه گسترش می یابد «فاصله می گیرد» - یعنی حدود ۱۱۵ میلیون کیلومتر در روز یا حدود ۴۲۰۰۰ میلیون کیلومتر در سال، پس در اعماق هستی به کجا سیر می کند؟ و قوانین دقیقی که بر حرکت منظم دائمی این هستی عظیم سیطره دارد، چیست؟ این است آنچه علم آن را انتشار یا گسترش یا توسعه هستی گفته است، قرآن کریم بر حقایق علمی پیشی گرفته است، هنگامی که گفت: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَأَنَا لَمُوسِعُونَ» الذاریات/۴۷.

صحابه ی بزرگوار، جنبه ی اعجاز علمی کلمات کوتاهی را که در کتاب خداوند عَزَّوَجَلَّ نازل شده، نشناختند، علی رغم اینکه به آن ایمان آوردند و این آیه ی معجزه تا عصر ما و تا عالم باقی است، پایدار است و گویی قرآن هر روز برای آن روز نازل شده است.^۲

^۱ روح الاسلامی. غنیف طهارة ص ۵۱

^۲ الاسلام یتحدی. وحیدالدین خان ص ۱۴۵

خورشید

۱/۴ حرکت خورشید و جریان آن

آیا خورشید ثابت است؟ جواب: خیر

رصد دلالت می‌کند بر این که خورشید در فضا شناور است در حالی که بین ستارگان و خورشیدها جابه‌جا می‌شود و سرعت آن حدود ۳۰ کیلومتر در ثانیه تخمین زده می‌شود و حرکت آن با مجموعه‌ی سیارات منظومه‌ی شمسی به سمت یکی از ستارگان معروف بنام «الجائی علی رکبیه» می‌باشد. بنابر این مدار زمین پیرامون خورشید حلزونی است.

خورشید در حرکت سالانه‌اش مسیری را طی می‌کند که بُروج نامیده می‌شود و برجهای مناطقی هستند که در دو سمت خورشید امتداد یافته‌اند و ستاره‌شناسان آنها را به ۱۲ قسمت تقسیم کرده‌اند و هریک از آنها را برج نامیده‌اند و خورشید در هر ماهی از یک برج می‌گذرد. این است آنچه که علم جدید آن را راجع به خورشید، ماه و گردش آن گفته است. پس دین حنیف اسلام به ما چه گفته است؟

مردم تا عصر جدید اعتقاد داشتند که خورشید ثابت است و از مکانش دور نمی‌شود سپس علم آمد و حرکت آن را به سوی ستاره‌ی «جائی» اثبات کرد

قرآن با عبارتی صریح و روشن این حقیقت را پیش از این اثبات کرده است. «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» یس / ۳۸. «و خورشید به سوی قرارگاه خود روان است، تقدیر آن عزیز دانا این است»

و خداوند جلّ جلاله با تأکید در این سوره گفت: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» یس / ۴۰. «نه خورشید را سزا است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هرکدام در مسیر خود شناورند»

۲/۵ خورشید جرمی شعله‌ور

قرآن کریم، هنگامی از خورشید گفتگو می‌کند، آن را دائماً وصف می‌کند به اینکه آن سراج مضیی است پس سراج و اضائة دو صفت دایمی برای خورشید است.

به گفته خداوند تعالی بنگر: «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَقَمَراً مُنِيراً» فرقان / ۶۲. «جاودان و پر برکت است آن «خدایی» که در آسمان منزلگاه‌هایی برای ستارگان قرارداد و در میان آن چراغ روشن و ماه تابانی آفریده.»

«أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجاً» نوح / ۱۶-۱۵. «آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگر آفریده است؟ و ماه را در میان آسمانها مایه‌ی روشنایی و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است.» «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُوراً وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ» یونس / ۵. «او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرارداد و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد.»

ملاحظه می‌شود که قرآن هنگامی که از ماه بحث می‌کند آن را دائماً نورانی وصف می‌کند، پس نورانی بودن صفت دائمی ماه است.

و هرگاه به زبان عربی مراجعه کنیم معنی دقیق هریک از «سراج و مضیی» و «منیر» آشکار می‌شود و به تفاوت معنی آن دو آگاه می‌شویم، می‌فهمیم که به آن شیئی گفته نمی‌شود «سراج» یا «مضیی» مگر هنگامی که با اشعه حرارت پخش می‌کند و به آن گفته می‌شود «منیر» هنگامی که نوری را منعکس می‌کند که هیچ حرارتی در آن نیست. همان طور که تو نمی‌گویی: به چیزی «سراج و مضیی» مگر هنگامی که اشعه از ذات آن شیئی متجلی شود. و به آن «منیر» می‌گویی: هرگاه روشنایی از جرمی دیگر به آن بتابد. بنابر این بیان لغوی آیه بیان می‌کند، که خورشید جرمی شعله‌ور و ماه جسمی سرد است که هیچ حرارتی ندارد و نورش را از خورشید کسب می‌کند.^۱

^۱ الاسلام ملاذ کل مجتمعات الانسانية. الدكتور محمد حسين رمضان البوطي ص ۱۵۶.

پس علم در مورد آن چه گفته است؟

درجه حرارت خورشید در سطح آن (۶۰۰۰) درجه سانتیگراد است که حرارت آن هر چه به عمق خورشید نزدیکتر شود افزایش می‌یابد، تا اینکه در مرکز خورشید حداقل به ۱۴ تا ۲۰ میلیون درجه ی سانتیگراد می‌رسد. دو دانشمند «بیزی و فیساکر» واکنشهای هسته‌ای گرمایی را که تولید انرژی خورشید نتیجه ی آن است، کشف کرده اند و آن همان چیزی است که حلقه کربنی^۱ نامیده می‌شود:

این فعل و انفعالات به صورت زیر تکرار می‌شود:

- کربون + هیدروژن ← ازت + اشعه ی گاما
- ازت ← کربن + اشعه ی بتا
- کربن + هیدروژن ← ازت + اشعه ی گاما
- ازت + هیدروژن ← اکسیژن + اشعه ی گاما
- اکسیژن ← ازت + اشعه ی بتا
- ازت + هیدروژن ← کربن + هلیوم (اشعه ی آلفا)

سپس این فعل و انفعالات ششگانه با نظم تکرار می‌شود و ثابت شده است که خورشید با نیروی ثابت ۳۸۰ بیلیون وات پرتو افشانی می‌کند

۳/۶ تعدّد فورشیدها

خداوند تعالی فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» «فصلت/۳۷». «و از نشانه های «حضور» او شب و روز و خورشید و ماه است نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه و آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است اگر تنها او را می‌پرستید»

^۱ الانسان بين العلم والدين. د. شوقی ابوخلیل ص ۶۱.

همانا نون تأنیث که برای جمع مؤنث در قول خداوند تعالی «خَلَقَهُنَّ» آمده است در آن اشاره‌ای است به تعدد خورشیدها و ماهها و این همان است که علم آن را اثبات کرده است و در فضا مجموعه‌هایی از منظومه‌های شمسی با کواکب آن وجود دارد که مثل خورشید ما و عظیم تر از آن است و برای هر سیاره‌ای یک ماه یا بیشتر از یک ماه است که تابع آن سیاره می‌باشد پس برای آن ستارگان مسیر چرخشی با نظم و دقت خاصی وجود دارد.^۱

ستاره‌شناسان کشف کرده‌اند که تعداد خورشیدها بیش از دو میلیون است این است آنچه که اکتشافات آن به اتمام رسیده است پس چه فکر می‌کنی؟ و نظر تو در مورد آنچه که کشف آن تاکنون به اتمام نرسیده است، چیست؟^۲

و همچنین علم می‌گوید که هستی، مجموعه‌هایی شبیه مجموعه‌ی شمسی است و این واحدهای بزرگ و عظیم «الجزرالکونیه: جزیره‌های هستی» نامیده می‌شود.^۳

^۱ الاشارات العلمية في القرآن الكريم محمد وفا الاميري ص ۷۵.

^۲ تنبيه العقول الانسانية لما في آيات القرآن من العلوم الكونية و العمرانية، لمحمد بخت المظيعي ص ۱۴۱ بتصرف.

^۳ الانسان بين العلم والدين، د. شوقي ابوخليل ص ۳۶

۴/۷ پایان کار خورشید

علم اثبات کرده است که هر ثانیه در فعل وانفعالات خورشید چیزی حدود «۵۰۰۰۰۰۰» پنج میلیون تن از وزن خورشید کاسته می‌شود پس، چقدر در هر دقیقه؟ و ساعت؟ و شبانه روز؟ حال در طول پنج هزار میلیون سالی که از عمر آن گذشته است، چقدر از وزن آن کاسته شده است؟

اینها را با هم حساب می‌کنیم:

میزان کاهش وزن خورشید در زمان

زمان	مقدار کاسته شده به میلیون تن
در یک دقیقه	۳۰۰
در یک ساعت	۱۸۰۰۰
در یک روز	۴۳۲۰۰۰
در یک سال	۱۵۷۶۸۰۰۰۰
در پنج میلیارد سال ^۱	۷۸۸۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

علم ثابت کرده است که برای خورشید پایانی نزدیک یا دور است که به خاطر کاهش حجم آن از بین می‌رود و نابود می‌شود. قرآن کریم این حقیقت را قبلاً به وضوح بیان کرده است.

«وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» قیامت/ ۹. «و خورشید و ماه یک جا جمع شوند.» پس چگونه و کی، این جمع شدن صورت می‌گیرد؟ «فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَقَرُّ كَلَّا لَا وُزَرَ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ» قیامت/ ۱۲-۷. «در آن

^۱ الانسان بين العلم والدين ص ۶۴. عدد را به این شکل خوانده است. «هفتصد و هشتاد میلیون و چهار صد هزار کوادر بلیون تن» و

«کوادر بلیون» یعنی ۱ در سمت راست آن ۱۵ صفر

هنگام که چشم‌ها از شدت ترس به گردش درآید و ماه‌بی نور گردد و خورشید و ماه یکجا جمع شوند، آن روز انسان می‌گوید: راه فرار کجاست؟ نه هرگز چنین نیست، راه فرار و گریزی وجود ندارد، آن روز قرارگاه نهایی تنها به سوی پروردگار توست» و آیات بسیاری، نابودی خورشید را در نهایت اثبات می‌کند: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» تکویر/ ۱-۲. «در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند» و «التَّكْوِيرُ» آنطور که قتاده گفته: در این آیه «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^۱ به معنی نورش از بین برود و پایان عمر ستارگان نیز همچنین مانند پایان عمر خورشید است «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»^۲ یعنی سقوط کنند و پراکنده شوند و درخشش و نور آنها از بین برود و عمر آنها به سرعت پایان یابد و سپس پراکنده شوند.

سبقت قرآن عظیم در بیان این حقایق علمی راجع به خورشید، واضح و روشن است، آیا این دلایل بر صحت قرآن در حال و در آینده بر صحت کل قرآن کفایت نمی‌کند.^۳

۸-۵ سقوط شهابها

الشُّهُبُ: نقطه‌های روشنی است که در آسمان می‌درخشند و با حرکت سریعی حرکت می‌کنند و به دنبالشان دنباله‌ای نورانی را برجای می‌گذارند و پس از کمی خاموش می‌شوند. و در لسان العرب آمده: الشُّهُبُ، مفردش شهاب است که شب را می‌شکافد و آن در اصل شعله‌ای آتش است.^۴ و قرآن کریم با صراحت به این

^۱ تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر ج ۴/ ۴۷۵.

^۲ کلمات القرآن تفسیر و بیان، حسین محمد مخلوف ص ۴۰۸.

^۳ الانسان بین العلم والذین، د. شوقی ابوخلیل ص ۷۰ بتصرف

^۴ الانسان بین العلم والذین، د. شوقی ابوخلیل ص ۱۸۴.

شهابها اشاره کرده است و علم همین نام را برای آنها گرفته و بر آنها اطلاق کرده است.

خداوند تعالی فرمود: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيَقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُخْرًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ ثاقِبٌ» صافات/ ۱۰-۶. «ما آسمان نزدیک را با ستارگان آراستیم تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم آنها نمی‌توانند به سخنان فرشتگان بالا گوش دهند و از هر سو هدف قرار می‌گیرند آنها به شدت عقب رانده می‌شوند و برای آنها مجازاتی دایمی است مگر آنها که در لحظه ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک می‌شوند که شهابی ثاقب آنها را دنبال می‌کند.»

و فرستادن شهابها - همانطور که قرآن بیان کرده است مانعی است برای شیاطین از استراق سمع و سدّی برای آنها در برابر تجاوز از مرزهای معین به سمت آسمان است.

«وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ آلَانِ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا» جن/ ۹. «و در آسمان برای شنیدن او به کمین می‌نشستیم» اما اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد.^۱

۴/۹ مشرقها و مغربها

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» اعراف/ ۱۳۷. «و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند، بخشهای باختر و خاوری سرزمین «فلسطین» را که در آن برکت قرار داده بودیم، به میراث عطا کردیم.»

«رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ» صافات/ ۵. «پروردگار آسمانها و زمین و بین آن دو و پروردگار مشرق است»

^۱ الاسلام ملاذ کل المجتمعات الانسانية. د. محمد سعید رمضان البوطی. ص ۱۴۰.

«فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ» معارج/۴۰. «هرگز» به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می‌کنم که ما تواناییم.»

کدام مشرق‌ها و مغرب‌ها در دوره ی صحابه ی اول شناخته می‌شد؟ تمام آنچه که مردم در آن دوره راجع به خورشید شناخته بودند، این بود که خورشید از مکانی طلوع و در مکانی دیگر غروب می‌کند.

بعنوان مثال می‌گویند: «خورشید از جانب این کوه طلوع می‌کند و از جانب این درخت غروب می‌کند» ولیکن حقیقتی که این آیات به آن اشاره می‌کند، این است که هر سرزمینی مشرقی و مغربی دارد و خورشید نزد ما از جانب کوه طلوع می‌کند و بعد از چند دقیقه در سرزمین دیگری طلوع می‌کند و بعد از چند دقیقه دیگر در سرزمین سوم طلوع می‌کند و به همین ترتیب در سرزمین چهارم و خورشید از اینجا غروب می‌کند و بعد از چند دقیقه در سرزمین مجاور غروب میکند و این چنین خورشید مشرق‌ها و مغرب‌های متعددی دارد.

و به عنوان مثال نماز در زمین، پی در پی در شب و روز بر مبنای مشارق زمین اقامه می‌شود، در حال حاضر در سرزمین ما وقت نماز ظهر است، بعد از چند دقیقه در سرزمین دیگری و همچنین چند دقیقه دیگر در سرزمین سوم و در حالیکه نصف زمین خوابیده اند، نصف دوم به تسبیح خداوند مشغولند.

بعضی مردم نماز صبح را اقامه می‌کنند و در همان لحظه گروهی به نماز ظهر مشغولند و در همان لحظه یک عده نماز عصر را بر پا می‌دارند و ... این است آنچه به وضوح آیه ی قرآن به اشاره نموده که مشارق و مغارب متعددی وجود دارد.^۱

^۱ معجزة القرآن. محمد متولی الشعراوی ص ۳۵. بتصرف

گواهی منصفانه

لازم است به اسلام آوردن یکی از دانشمندان مشهور متخصص در علم کیهان شناسی اشاره کنیم و او «بروسویو شادی کروزای» مدیر مسؤول رصدخانه ی کیهان شناسی توکیو در ژاپن است. این رصد خانه، از نظر مدرن بودن وسایل و تجهیزات دومین رصد خانه در عالم بعد از رصدخانه «بالمار» در ایالات متّحده ی آمریکا است و خداوند خواست که این مرد از کشور سعودی بازدید کند و در آنجا مناظره ی علمی بزرگی در دانشگاه عبدالعزیز برپا شد که گروه بزرگی از دانشمندان متخصص کیهان شناسی و زمین شناسی در آن حضور یافتند و بعضی از دانشمندان مسلمان مانند شیخ عبدالمجید زندانی در کنار آنها حضور داشتند و بعد از طرح مفاهیم علمی قرآن در ستاره شناسی و حقایق هستی و فهم دقیق این علوم، خداوند سینه اش را برای ایمان گشود و بدون هیچ شک و تردید، اعتماد تاریخی خود را با اقرار و با دست خط خودش اعلان نمود و این ترجمه ی آن است:

«بعد از ورود به عربستان، آگاه شدم که حقایق علمی فراوانی در قرآن وجود دارد و هستی و آنچه در هستی وجود دارد از بالاترین نقطه ی این هستی در قرآن مفصّل و مشروح آمده تا اینکه همه چیز در قرآن قابل فهم گشته است بعد از مطالعه ی این امور اسلام خود را اعلان کردم»^۱.

^۱ القرآن و علوم العصر الحديثه ص ۱۲ برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به سخنرانی اعجاز علمی در قرآن کریم از شیخ عبدالمجید زندانی.

ماه

۱/۱۰ ماه جسمی سرد

قرآن کریم اعتراف کرده است که نور ماه از خودش نیست و فقط نور را منعکس می‌کند در حالی که خورشید آن را از ذات خودش شعله‌ور می‌سازد.

خداوند تعالی می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَقَمَراً مُنِيراً» فرقان/۶۱. «بزرگوار آن خدایی که در آسمان برجها مقرر داشت و در آن چراغ روشن خورشید تابان را روشن ساخت.» و همچنین خداوند می‌فرماید: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجاً» نوح/۱۶. «و در آن سماوات ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت.»

پس خورشید چراغی است که نور آن از خودش سرچشمه می‌گیرد، اما ماه مانند آینه ای است که نور خورشید را منعکس می‌کند، در نتیجه ماه نورش وابسته به غیر است و سبقت علمی قرآن کریم «در این مورد» روشن و واضح است.^۱

۲/۱۱ ماه مشتعل بود ، سپس خاموش شد

اخيراً علم کشف کرده که در قدیم ماه مشتعل بود، بعد نورش محو و خاموش شد و این راز به تازگی بعد از این که وسایل و ابزار تحقیق در اختیار محققان قرار گرفت، شناخته شد. این امر در قرآن کریم آمده: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً» اسراء/۱۲. «و ما شب و روز را دو آیت و نشانه «قدرت خدا» قرار دادیم،

^۱ الانسان بين العلم و الذین. د. شوقی ابوخلیل ص ۱۲۹.

آنگاه از آیت شب (و روشنی ماه تابان) کاستیم و (خورشید) آیت روز را همیشه تابان ساختیم» و شاهد در این مورد، گفتار خداوند است: «فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً» اسراء / ۱۲. «آنگاه از آیت شب (و روشنی ماه تابان) کاستیم و (خورشید) آیت روز را همیشه تابان ساختیم.»^۱

پس؛ آیت شب، ماه و آیت روز، خورشید است و آیت شب را محو کردیم یعنی آن را خاموش کردیم و نور آن را زدودیم، محو و خاموش شدن بکار نمی‌رود مگر بعد از نورانی بودن پس از اینجا نتیجه می‌گیریم که ماه مشتعل بوده و بعداً نورش محو شده است.

این کشف علمی را عبدالله بن عباس دانشمند مشهور این چنین بیان می‌کند: «ماه می‌درخشید، همچنانکه خورشید می‌درخشد و ماه آیت شب بود و خورشید آیت روز پس آیت شب را محو کردیم یعنی سیاهی که در ماه است.»^۲

۱۲/۳ تشبیه ماه به بند فوشه‌ی فرمای کهنه شده

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» یس / ۳۹. «و ما برای ماه منزلهایی قرار دادیم و به هنگامی که این منزله‌ها را طی کرد، به صورت شاخه‌ی کهنه‌ی قوسی شکل و زرد رنگ خرما در می‌آید...»

مفسران گفته‌اند: خداوند برای ماه منزلگاههایی قرار داده که در اولین شب که طلوع می‌کند قسمت کوچکی از آن کمی روشن است، سپس در شب دوم نور آن زیاد می‌شود و بالا می‌آید، سپس هر چه ماه بلند شود، نورش زیاد می‌شود تا اینکه در شب چهاردهم (بدر) کامل می‌شود، سپس شروع می‌شود تا آخر ماه نور آن کم می‌شود تا اینکه به شکل شاخه‌ی کهنه‌ی قوسی شکل و زرد رنگ خرما در می‌آید.

^۱ کتاب التوحید للشیخ عبدالمجید الزندانی ص ۱۷۱.

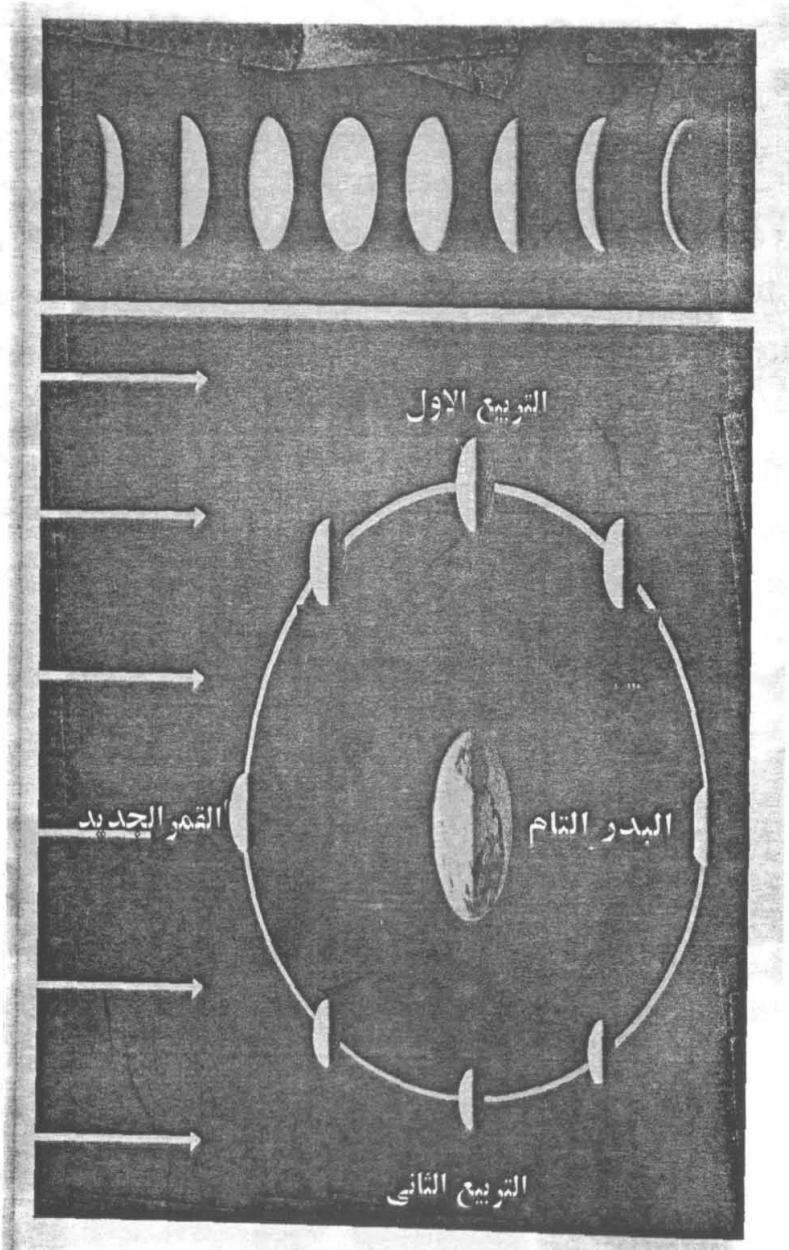
^۲ تفسیر القرآن العظيم لاین کثیر ۲۷/۳

مجاهد گفته است: یعنی شاخه ی خرما ی خشک و آن شاخ بود که از آن برگها برآید چون کهنه و خشک و خمیده می شود سپس در اول ماه دیگر همین دور آغاز می شود.^۱

شکلهای ماه که در صفحه مقابل می یابیم، به این دلیل نصف آن دیده می شود که خورشید دائماً تنها به نیمی از ماه می تابد و نیم دیگر آن تاریک است و نیم نورانی ماه دائماً بخش مقابل خورشید است در اواخر هر ماه قمری که قرص ماه بین زمین و خورشید واقع می شود، نیمه نورانی ماه مقابل خورشید و نیمه تاریک آن به سمت ماست پس ما آن را نمی بینیم سپس ماه بالا می آید، و در شیبهای اول هر ماه جزء کوچکی از قسمت روشن ماه را مشاهده می کنیم که آن را به صورت هلال ماه می بینیم پس بیشتر بالا می آید «تا در شب هفتم» نصف روشن ماه را «از زمین به صورت نیم دایره» می بینیم و هنگامی ماه را به صورت قرص کامل روشن می بینیم زمین بین خورشید و ماه قرار دارد. پس نیم روشن ماه در مقابل ما و نصف تاریک آن پشت سر می باشد و به این سبب بخش تاریک ماه همیشه در خلاف جهت ما می باشد.

^۱ صفة التفاسیر، محمد علی الصابونی ۱۵/۳.

شکلهای ماه



۱۳/۴ ماه دور می‌زند

همانطور قرآن بیان کرده که ماه می‌چرخد، یک گردش به دور خود و یک گردش به دور زمین و گردشی با زمین به دور خورشید.

خداوند تعالی فرمود: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ» ابراهیم / ۳۳.

«و خورشید و ماه و شب و روز را برای شما مسخر کرد» و همچنین خداوند فرمود: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» یس / ۴۰.

«نه برای خورشید سزاوار است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند»

و خداوند فرمود: «وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» زمر / ۵»

و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد که هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند»

زمین

خداوند تعالی در کتاب شریفش می‌فرماید: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» ذاریات / ۲۰ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است» اکنون به زمین منتقل می‌شویم تا در پرتو قرآن و علم آنچه را در پیدایش زمین از نشانه های نظم و اتقان و ابداع به کار رفته، بررسی کنیم؛ سپس اشارات قرآن کریم را که حقایق و دلایل آن بر علم سبقت گرفته است، ارائه می‌کنیم.

۱/۱۴ کرَوِیت زمین

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا» نازعات / ۳۰ و زمین را بعد از آن گسترش داد» «وَالْأَرْضُ مَدَدُ نَاهَا» حجر / ۹. «و ما زمین را گسترش دادیم.» «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي» رعد / ۳. «او کسی است که زمین را گسترش داد و در زمین کوه ها را قرار داد.

کلمه ی «دحا» صریحاً در قرآن کریم آمده است و «دحیة»: یعنی تخم شترمرغ است بنابراین آیه ی کریمه مشخص کرده که زمین فقط کروی نیست، بلکه بیضوی بودن زمین را مشخص کرده است و این است آنچه با قمرهای مصنوعی که از فاصله ی هزارها کیلومتر از زمین تصویر برداری کرده اند ثبت شده است و این مطلب در قرآن بوده و پیوسته در طول قرون تلاوت می‌شده این ها حقایق علمی جالبی است که قرآن کریم در بیان آن بر علم سبقت گرفته است.

قرآن معجزه‌ای است که خود بدون شک گواه معجزه بودن خود است. «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» نجم / ۵-۴. «آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است.» و هنگامی که انسان مؤمن این آیه ی کریمه را می‌خواند: «وَأُذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ

^۱ الانسان بين العلم والدين د. شوقي ابوخليل . ص ۱۰۵ با تصرفی اندک

يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» حج / ۲۷. «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راهی به سوی تو آیند»

انسان از کلمه ی «عمیق» شگفت زده می شود، زیرا این کلمه ی «عمیق» به عظمت قرآن گواهی می دهد و آن از اعجاز علمی در قرآن است. اگر زمین مسطح می بود، قرآن می گفت: «يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ بَعِيدٍ» زیرا کلمه ی «بعید» فاصله ی بین دو چیز را که در یک راستا قرار دارند می رساند و لیکن زمین کروی است و مردم از جاهای عمیق نسبت به سرزمین مکه مشرف می شوند و این امر به سبب انحنا و کروی بودن زمین است و لذا در آیه ی قرآن آمده است «يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^۱

۲/۱۵ ماذبه‌ی زمین

و در این گفتار خداوند تعالی فکر می کنیم: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَ أَمْواتاً» مرسلات / ۲۶-۲۵. «آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم هم در حال حیاتشان و هم در حال مرگشان.»

کفت و کفات: در زبان عربی به معنی جمع و قبض آمده و این گفتار شاعر بر آن دلالت می کند:

کرام حین تنکفت الافاعی الی احجارهن من الصقیع

یعنی هنگامی که افعی ها از شدت سرما به داخل لانه هایشان جذب می شوند.^۲

آیه در مقام منت نهادن و یاد آوری نعمتها صراحت دارد: آیا این سیاره ی زمین را که بر روی آن زندگی می کنید، جذب کننده ی شما قرار ندادیم به نحوی که بر روی زمین اسباب آرامش و استقرارتان را مشاهده می کنید و برای این که تصور کننده ای تصور نکند

^۱ الانسان بين العلم والدين د. شوقي ابوخليل. ص ۱۱۳

^۲ الانسان بين العلم والدين د. شوقي ابوخليل. ص ۱۱۳

که فقط این جمع و قبض مربوط است به هنگامی که انسان بعد از مرگش در زیر زمین دفن می شود، قید عموم را آورده، می گوید: «أَحْيَاءُ وَأَمْوَاتًا» یعنی: زمین را به نحوی آفریدیم که شما را به طرف خود جذب می کند، هنگامی زنده اید بر روی آن حرکت می کنید و هنگامی مردید در زیر آن دفن می شوید.

دانشمندان قدیم و از آن جمله (یونس بن قرة) از دلالت این آیه یقین کرده اند که خداوند نیروی جاذبه را به امانت نهاده که با آن انسان در روی زمین مستقر می شود و وسایل عیش و نوش او را در زمین فراهم می کند.^۱

و خداوند تعالی می فرماید: «أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا» نمل/ ۶۱. «یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد.» این آیه به جاذبه ی زمین اشاره دارد که اشیاء توسط آن در روی زمین استقرار می یابند و به وسیله ی آن امکان زندگی بر روی زمین فراهم می شود و اگر نیروی جاذبه نبود زندگی بر روی آن محال می شد.^۲

علم جدید بعد از آن چه گفته است:

اسحاق نیوتن، ریاضیدان (متولد ۱۶۴۲ م - وفات ۱۷۲۷ م) قانون جاذبه را وضع کرد: «هر دو جسمی که به همدیگر نیروی ربایشی (یا جاذبه) وارد می کنند، قدرت این نیرو با حاصل ضرب جرمها نسبت مستقیم و با محدود فاصله نسبت عکس دارد.»

این نظریه قانون علمی محسوسی گشت، زیرا به وسیله ی آن به گردش سیارات و از آن جمله زمین به دور خورشید قطعی می گردد، زیرا کوچک از بزرگ اطاعت نموده و تابع و منقاد آن می گردد.^۳

و علم هم چنین می گوید:

^۱ الاسلام ملاذکل المجتمعات الانسانية. د. محمد سعید رمضان البوطی ص ۱۵۵

^۲ الاشارات العلمية فی القرآن. محمد وفا الامیری ط ۲ ص ۳۸

^۳ مع الله فی السماء. د. احمد زکی ص ۹۵

اگر این جاذبه وجود نمی‌داشت انسان از روی زمین بلند می‌شد، همانطور که در سایر سیارات که در آنها جاذبه وجود ندارد (یا کم می‌شود) این چنین است، پس آیا این صنعت شگفت انگیز عظیم و متقن از آثار تصادف است؟

زمین با سایر سیارات به (سبب) غلظت و پیچیدگی که دارد متفاوت است و پیچیدگی آن بیشتر از همه‌ی سیارات (حتی خورشید) است و جاذبه‌ی آن معتدل است و با وضوح به غلظت و جاذبه در آیه‌ی زیر اشاره شده است: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً...» غافر/۶۴. «خدا (همان) کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی (گردانید)»^۲

۱۶/۳ گردش زمین

قرآن کریم حرکت گردش زمین را اثبات کرده است و کلمات قرآن کریم از نزد خداوند حکیم خبیر با دقت و توجه‌گزینش شده است، هیچ گونه مجالی برای شک در نزد صاحبان علم نگذاشته است خداوند تعالی با اسلوب شگفت انگیزی که همان اسلوب دائمی قرآن کریم است فرمود: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمْدًا وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» نمل/۸۸ «کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری در حالیکه مانند ابر در حرکتند این آفرینش خداوند است که هر چیزی را محکم آفرید همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

معنی آیه: خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: «به کوه‌ها نگاه می‌کنی گمان می‌کنی آنها ثابت و بدون حرکتند ولی در واقع آنها مانند ابرها با سرعت حرکت می‌کنند.»

^۱ قصه الايمان. الشيخ تديم الجسر ص ۲۲۱

^۲ قصه الايمان. الشيخ تديم الجسر ص ۲۱۸.

این آیه بیان می‌کند که جمیع اجسام مانند کوه‌ها و دریاها و پوسته‌ی جو و غیره در مقابل جاذبه‌ی زمین خاضعند و با زمین در گردش روزانه پیرامون محور آن و در گردش سالانه به دور خورشید مشترک هستند.

و به این سبب نصف زمین در شب در تاریکی شدیدی بسر می‌برد، در حالیکه نیم دیگر آن روز است و این نتیجه گردش زمین به دور خود آن است ولی این گردش با حس درک نمی‌شود همانطور که حرکت ابرها در آسمان این چنین است.

ابوریحان بیرونی اولین کسی از مسلمانان است که به این معلومات در سال هزار میلادی بعد از نهضت ترجمه‌ی حکومت عباسی اشاره نموده است و بیان این حقایق علمی بر زبان پیامبر (ص) دلیل این است که از جانب خداوند به او وحی شده است.

یکی از مفسرین می‌گوید: اینکه کوه‌ها مثل ابرها در حرکتند در قیامت اتفاق خواهد افتاد، ولی آیه می‌گوید: (تَحْسِبُهَا) یعنی حساب می‌کنی - بمعنی می‌پنداری - و کی آخرت جای گمان و پندار است و ما می‌دانیم که آخرت جایگاه عین الیقین است به نحوی که بهشت و جهنم و ثواب و حساب را خواهیم دید و هر چیزی که آنرا با چشم سر مشاهده می‌کنیم ظن و گمان نیست، همانا (در قیامت) زمین و آنچه بر روی آن است غیر از زمین فعلی خواهد بود به مصداق آیه‌ی ۴۸ سوره ابراهیم: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (روزی (خواهد بود) که این زمین به زمینی دیگر و آسمانها به آسمانهای دیگر مبدل خواهد شد.) (تفسیر فوق) تفسیر شیخ محمد متولی شعرای در مورد این آیه است.^۱

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» انبیاء/ ۳۱ «و اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفریده هر کدام از اینها در مداری در حرکتند»

^۱ القرآن و علوم العصر الحديث. ابراهیم عراجی ص ۸۰

پس چرا سرها را برای عظمت موجود در قرآن (و سبقت آن بر علم) به عنوان اعتراف به اعجاز علمیش فرود نمی آوریم؟^۱

۱۴/۱۷ پی در پی آمدن شب و روز

قرآن کریم با روشنی و نهایت وضوح از شکلی که شب و روز و روز و شب، در حالی که با سرعتی عظیم پشت سرهم در حرکت هستند و با هم اختلاف دارند، سخن گفته است پس خداوند فرمود: «يَعْرِىَ اللَّيْلُ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا» اعراف/۵۴. «روز را با شب که شتابان آنرا می طلبد می نوشاند» پس يَطْلُبُهُ حَثِيثًا صراحت دارد: یعنی به شکلی سریع که هیچ کندی در آن نیست.^۲

پس با گردش زمین تاریکی و روشنایی (شب و روز) به یکدیگر تبدیل می شوند و با سرعت زیادی که طبعاً همان سرعت زمین است، پی در پی می آیند و این پی در پی آمدن سریع به خاطر انحنا و کروی بودن زمین است. «يُكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ» زمر/۵ «شب را بر روز و روز را بر شب می پیچد».

معنی تکویر؛ پیچیدن چیزی به دور شیئی دیگر به شکل دایره است پس انتشار روشنایی زمین بر روی شب انتشار به شکل دایره است و این چنین است انتشار تاریکی بر روی روز.^۳ کیهان شناسی اثبات کرده است که (محور زمین) با گردش زمین به دور خود و گردش آن به دور خورشید فقط حدود ۴۰ پا از اصل طول این محور که به ۴۰ میلیون پا می رسد انحراف پیدا کرده است و این انحراف سبب طولانی شدن روز و کوتاهی شب در نیمکره ی شمالی و عکس آن در زمستان است.

^۱ الانسان بين العلم والدين ص ۱۰۸، و نگاه کن به تنبيه العقول الانسانية للمطبعي ص ۱۲۸

^۲ نظر کن به کلمات القرآن تفسیر و بیان لحسنین محمد مخلوف ص ۹۱

^۳ الانسان بين العلم والدين، د. شوقي ابوخليل ص ۱۰۷

دانشمندان می‌گویند: اگر انحراف این محور نمی بود، فصول چهارگانه بر سطح کره‌ی زمین از بین می‌رفت و در این موضوع، آیات می‌گویند: «يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» نور/۴۴. «خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد و در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت».

«لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ» لقمان/۲۹. «آیا ندیدی که خداوند شب را در روز و روز را در شب داخل می‌کند».

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» آل عمران/۱۹۰. «در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشمندان است».

اگر حرکت زمین به دور خودش نبود، چگونه این امور حاصل می‌شد و چگونه زندگی با وضعیت فعلی پا برجا می‌ماند. و لیکن ما دائما در شب یا روز زندگی می‌کردیم و این دو (دائمی بودن شب یا روز) مرگ را بر سطح این سیاره (حاکم می‌کرد).

این مصداقی است برای گفتار خداوند تعالی: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تُسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» قصص ۷۳-۷۱. «بگو به من خبر دهید، اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خداوند می‌تواند روشنایی برای شما بیاورد، آیا نمی‌شنوید؟ بگو به من خبر دهید. اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودانه کند، چه معبودی غیر از الله است که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش بیابید، آیا نمی‌بینید؟ و از رحمت الهی که برای شما شب و روز قرار داد تا از یک سو در آن آرامش پیدا کنید و از سوی دیگر برای تأمین زندگی و بهره‌گیری از فضل خداوند تلاش کنید و شاید شکر نعمت او را بجا بیاورید.»^۱ و شاید ما متذکر شویم از بین مشاهداتی که فضانورد روسی (یوری گاگارین) بعد از گردش فضایی به دور زمین استدلال

^۱ القرآن و علوم العصر الحديث. ابراهیم عراجی ص ۸۴

کرد، او (به سرعت پی در پی آمدن) تاریکی و روشنایی را بر سطح زمین به سبب گردش زمین به دور محور آن مشاهده کرد.^۱

۵/۱۸ نقصان (کاستی) زمین

خداوند تعالی فرمود: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» رعد/۴۱. «آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده واز آن و (اهلش) می کاهیم و خداوند حکم می کند برای حکم خداوند تعقیب کننده‌ای نیست و او سریع الحساب است.» و خداوند تعالی فرمود: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» انبیا،/۴۴. «آیا نمی بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده و از زمین و اهلش می کاهیم، آیا آنها غالب شوندگان هستند؟»

حقایق علمی صدق این آیه و مطابقت آنرا با آنچه در آن از کم شدن اطراف زمینی که بر روی آن زندگی می کنیم به روشنی بیان می کند.

علما در این قرن به این نتیجه رسیده اند که سرعت گردش زمین پیرامون محور آن و نیروی گریز از مرکز آن سبب چین خوردگی دو قطب کره ی زمین می شود و آن نقص در دو طرف زمین است لیکن رأی راجح در نقصان زمین، مطلبی است که دانشمندان زمین شناس آن را توضیح داده اند که زمین در حالت چین خوردگی مستمر (به سبب دور شدنش از خورشید) است و به سبب این برودت پوست زمین فرو رفتگی پیدا می کند و به سبب کم شدن حجم اطراف آن و خمیدگی های آن که دائما در حال تزايد است، فشار از جمیع جهات به داخل زمین که حاوی مواد گداخته و فشرده ی داغ از خاکستر و صخره های ملتهب است وارد می شود، پس این مواد ذوب شده و صخره های آتشین به صورت گازهایی به شکل آتشفشان به سرعت بیرون می آیند.

^۱ الاسلام بتحدی. و حیدالدین خان ص ۱۲۹

این آتشفشانها از قله های کوه ها به سرعت بیرون می ریزد و فوران آن به واسطه ی غلظت در درون زمین افزایش می یابد، این گازها خارج شده و حجم زمین کم می شود. سپس این اجزاء از یکدیگر پیشی می گیرند به سرعتی که بر مقاومت جاذبه ی زمین افزوده می شود و آن اجزاء از پوسته ی جو به سمت کناره های هستی عبور می کند.

و چون زمین کروی است پس آنچه زمین را احاطه می کند همان اطراف آن است که بسیاری از گازها را در خارج از کمر بند زمین که در پوسته جو شکل می گیرد فاقد است و از آن جمله (گاز هلیوم) و (گاز هیدروژن) آزاد شده و در اینجا زمین از اطراف و کناره های بالای آن کاسته می شود و در نتیجه ی عوامل رها شده که منجر به از بین رفتن اجزای پوسته ی زمین می شود از آن کاسته می شود تا در اعماق دریاها و اقیانوس ها استقرار یابد^۱.

۱۹/۶ طبقات زمین

خداوند تعالی می فرماید: « اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ » طلاق/۱۲. « خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها را.»

در تفسیر آمده: « با قدرتش هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید و از زمین همچنین هفت طبقه ی آنرا بالای همدیگر بدون هیچ نقصی آفرید.^۲ »

قرآن به ما خبر می دهد که زمین از هفت طبقه که بر روی یکدیگر بالا رفته اند تشکیل می شود و آن هفت طبقه عبارتند از:

۱. طبقه ی گازی (هوا)

۲. طبقه ی آبی

^۱ مجلة العلم والايمان العدد ۲۶ عام ۱۹۷۸. اترقال لیهن عوس المر س ۶.

^۲ صفوة التفاسیر. محمد علی الصابونی ۲۰۳/۳

۳. سیال و آن طبقه ی ارضی است که به آن می چسبیم و بر روی آن زندگی می کنیم و ارتفاع آن بر حسب مناطق مختلف است در سطح اقیانوسها به هم چسبیده اند (پایین) و در کوه های بلند مرتفع است.^۱

۴. السیما: از مواد گداخته ای که آتشفشان ها آنرا پرت می کند تشکیل می شود.^۲

۵. السیما آهنی

۶. النّیحا: اسمش از دو حرف اول (نیکل) و حرف اول (الحدید) گرفته شده است.

۷. هسته ی مرکزی: پیوسته فشرده و غلیظ است و جایز است، محتوی معادن سنگین و سفت باشد.

انسان، این طبقات را به واسطه ی زلزله های طبیعی و با بررسی خطوطی که وسایل زلزله نگاری رسم می کند و ممکن است با کمک گرفتن از معلومات و قوانین دیگر، فکر و اندیشه تقریبی عدد طبقاتی که این تکانها از آنها می گذرد و از غلظت و پیچیدگی زمین، شناخته است.^۳

۷/۲۰ پایین ترین منطقه در کره ی زمین

خداوند تعالی در آغاز سوره ی روم می فرماید: «الْمُغْلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مَنْ بَعْدَ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ» روم/۴-۱. «السم - رومیان مغلوب شدند و این شکست در سرزمین نزدیکی واقع شد و آنها بعد از شکست به زودی غلبه خواهند کرد در چند سال»

^۱ الاسلام و الحقایق العلمیة. محمود القاسم ص ۳۱

^۲ الاسلام و الحقایق العلمیة. محمود القاسم ص ۳۱

^۳ مرجع سابق ص ۷۷ و مراجعه کن به سبعون برهانا علمياً علی وجود الذات الالهیة خلیفه علیوی ص ۲۲۹.

در فرهنگهای لغت (ادنی) به معنی نزدیکتر و همچنین به معنی پایین تر آمده است و مصداق آیه ی کریمه: زمین فلسطین نزدیکترین زمینها به جزیره العرب و آن پایین ترین نقطه از همه ی سطح زمین نسبت به دریاست و آن زمینهای پست دریای میت است که ۳۹۲ متر از سطح دریا پایین تر است و روم بر فارس بعد از چند سال پیروز شده است (بضع سنه: از ۳ تا ۹ سال، همانطور که قرآن به طور کامل خبر می دهد).^۱

قرآن، کتاب خداوند است که برای ما گذشته و حال و آینده را وصف کرده است و علم در مقابل شکوه و عظمت قرآن کریم سر تعظیم فرود می آورد. همانا قرآن معجزه ی زنده و جاودانه تا روز قیامت است.

۸/۳۱ تکانهای زمین به سبب بارش باران

خداوند تعالی می فرماید: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» حج/۵. «زمین را در فصل زمستان خشک و مرده می بینی اما هنگامی که آب باران بر آن فرو فرستادیم به حرکت در می آید و می روید و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند»

قرآن تصریح می کند که زمین به جنبش در می آید و حجم آن هنگامی که باران بر روی زمین می بارد زیاد می شود و این حقیقتی علمی است که علم با آن قرآن را تأیید کرده و بحثها دلالت دارد که در زمین منافذی وجود دارد که هوا در آن رسوخ می کند و با آمدن باران هوا را دفع نموده و جای آن را می گیرد.

هنگام پرشدن منافذ زمین با آب، اجزای گل با نیرویی که آب بر منافذ وارد می کند به حرکت در می آید و علم شیمی اثبات کرد که گل به وسیله ی آب منبسط و با خشک شدن

^۱ مجله نهج الاسلام العدد ۴۷ السنة ۱۳ للعام ۱۹۹۲ ص ۸۵ مقالة للدكتور شوقي ابوخليل.

منقبض می‌شود پس هنگامی باران می‌بارد زمین به جنبش در آمده و حجم آن افزایش می‌یابد پس منظور از حرکت زمین هنگام آمدن باران همان افزایش حجم زمین است.^۱

۹/۲۲ و آنچه در زیر خاک پنهان است

خداوند تعالی می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْغُرِّ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى» طه/۶-۵. «خداوند رحمان که فیض و رحمتش همه جا را فرا گرفته و بر عرش مسلط است، از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین و آنچه میان این دو و آنچه در زیر خاک پنهان است»

این آیه ی قرآن، نظر مسلمانان را به حقایق علمی ثابتی که جای هیچ شکی در آن نیست، جلب می‌کند و آن، اینکه درون زمین حاوی بسیاری از معادن و منابع پر خیر و برکت است و انسان از استخراج نفت نیرومند شده و از فواید و منابع وسیع آن استفاده کرده است. همینطور آبهای زیر زمینی که مردم از آن بهره مند می‌شوند امری مشهود است. (آنچه در زیر زمین پنهان است) یعنی باطن زمین، اشیای بسیاری از خلق و ابداع پروردگاری را در بر می‌گیرد پس طلا و الماس و آهن و معادن و اشیای بسیاری همه‌ی آنها به عظمت این قرآن کریم (که افکار را به بسیاری از حقایق جلب کرده است) اشاره می‌کند.

۱۰/۲۳ و آهن را نازل کردیم که در آن نیرویی شدید است

خداوند تعالی می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» حدید/۲۵. «ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن

^۱ روح الدین الاسلامی، غنیف طبارة ص ۵۷

نیرویی شدید و منفعتی برای مردم است. تا اینکه خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است»

انسان (از خود) سؤال می‌کند، این ذرات آهنی از کجا آمده؟ و پاسخ این است که از آسمان نازل شده، و این آن چیزی است که قرآن کریم قبل از اینکه علم آنرا کشف کند، بیان کرده است.

آهن از پس مانده های شهابها و سنگهای آسمانی است و (آرثر بیرز) در کتابش بنام (الارض) بیان کرده است: او شهابها را به سه قسم تقسیم کرده است.

الف - شهاب سنگهای آهنی: آنها از ۹۸٪ یا بیشتر از آهن و نیکل تشکیل شده است.

ب - شهاب سنگهای سنگی آهنی: تقریباً نصف آن از آهن و نیکل و نصف دیگر از نوعی سنگ معروف به (اولیفین) تشکیل شده.

ج - شهاب های سنگی: و از جمله اموری که موجب شگفتی و تعجب انسان می‌شود آنچه انسان آنرا از ذرات آهنی به شکل قابل ذکری در برفهایی که از آسمان فرو می‌ریزند و بخصوص در برفهای شمال سیبری مشاهده می‌کند و در هر سال هزاران هزار شهاب سنگ که وزن بعضی از آنها به هزاران تن می‌رسد، فرود می‌آیند. در سال ۱۹۰۲ شهاب سنگی در ایالات متحده به وزن ۶۲ تن پیدا شد و مواد تشکیل دهنده ی آن آهن و نیکل بود و دیگری که وزن آن به ۱۲ تن می‌رسید، در (بوزتلاند) پیدا شد.

همه ی دانشمندان کیهان شناس در حال حاضر معتقدند که شهاب ها و سنگهای آسمانی چیزی جز اشیای پرتاب شده ی کیهان از ذراتی با حجم های مختلف نیستند و از معدن آهن و غیر آن تشکیل شده‌اند. لذا معادن آهن از اولین معدن‌هایی است که برای انسان بر روی زمین شناخته شده است، زیرا آن به صورت خالص از آسمان به شکل شهاب سنگ پایین آمده است.^۱

^۱ سبعون برهانا علمیا علی وجودالذات الهیة لابن خلیفة علیوی ص ۱۴۹

آیا بامن در مورد (أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ) هم عقیده نیستی که آن وصف دقیقی است همچنان که علم به آن اشاره کرده است؟ لیکن منافعی که آیه به آنها اشاره کرده چیست؟ «فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» حدید/ ۲۵.

بشر ارزش آهن و اهمیت آن را، صدها سال بعد از قرآن شناخت و حتی در قرن هیجدهم یعنی ۱۲ قرن بعد از نزول قرآن، صنعت آهن در نهایت ضعف بود و ناگهان انظار جهانیان به آهن جلب شد و عالم در کشف ساده ترین وسایل برای استخراج آهن به رقابت پرداخت. و دانشمندان دریافتند که حقّاد آهن منافعی برای مردم وجود دارد، خواص هندسی آهن که آنرا از عناصر دیگر مشخص کرده، عبارت است از: سختی و مقاومت بسیار زیاد آن و آهن اکنون در همه‌ی مراکز صنعتی به عنوان یک امر زیر بنایی راه یافته و سنگ زیر بنای همه‌ی اشیایی که انسان آنها را به کار می‌گیرد، گشته است در حالی که از آهن قطارها و ماشین آلات و ابزار صنعتی ساخته می‌شود، مشاهده می‌کنیم که اشیای ظریف از آن جمله سیمهای برق و همین طور توپ‌ها و تانک‌ها و هم چنین وسایل جراحی نیز از آهن ساخته می‌شود. آهن هم در صلح و هم در جنگ به کار گرفته می‌شود و به کار گرفتن آن عام است خواه در خدمت انسان باشد یا در جنگ با انسان، و قرآن راست گفت: آن هنگام که گفت: «در آن منافعی برای مردم است.»^۱

^۱ القرآن و العلم الحديث. عبدالرزاق نوفل ص ۹۲ بتصرف.

اعجاز قرآن در ستارگان و سیارات

۱/۲۴ جایگاه ستارگان

خداوند تعالی می‌فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُونُ عَظِيمٌ» واقعه / ۷۶-۷۵. «سوگند به جایگاه ستارگان و این سوگندی است بزرگ اگر بدانید.» و همچنین فرمود: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» یس / ۴۰ «هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.»

از این آیه که خداوند تعالی در آن به جایگاه ستارگان سوگند می‌خورد، نتایج زیر را به دست می‌آوریم.

الف: شدت تأکید در عظمت جایگاه ستارگان.

ب: بی‌اطلاعی مردم در حال نزول قرآن از این عظمت.

ج: دعوت به جستجو و تفکر در ستارگان

خداوند تعالی می‌تواند به آنچه بخواهد، سوگند یاد کند و مخلوق نمی‌تواند جز به خداوند تعالی سوگند یاد کند و عظمت سوگند وابسته به آن چیزی است که به آن سوگند یاد می‌شود.

بنابر این جایگاه ستارگان جداً امری عظیم است، به دلیل اینکه به آن‌ها سوگند یاد شده‌است سپس خداوند برای عظمت سوگند آنرا با سه نوع از ادوات تأکید آورده‌است. ۱- إِنَّ ۲- لَام تأکید ۳- گفتار خداوند: «اگر می‌دانستید»

و در عبارات ذیل با نگاهی شگفت‌انگیز این عظمت می‌آید:

نزدیکترین سیاره به سیاره‌ی ارضی ما همان (ماه) است که حدود ۴۰۰ هزار کیلومتر از ما دور است.

خورشید حدود (۱۵۰ میلیون کیلومتر) از ما دور است و فاصله آن کمی تغییر می‌کند زیرا مداری که زمین به دور آن (پیرامون خورشید) حرکت می‌کند، بیضوی شکل است.

اما (زهره و مریخ) فاصله‌ی آنها از ما در زمانهای مختلف اختلاف زیادی دارد هنگامی ستاره‌ی زهره به ما نزدیک است فاصله‌ی آن حدود (۴۲ میلیون کیلومتر) است و هنگامی

از مادور می شود حدود (۲۵۰ میلیون کیلومتر) فاصله دارد و همچنین (مریخ) هر ۱۵ یا ۱۷ سال به حدود (۷۰ میلیون کیلومتری) ما نزدیک می شود و از آن هنگام به بعد از ما دور می شود و دورترین فاصله ی آن از ما به حدود (۳۷۵ میلیون کیلومتر) می رسد و حال بقیه ی سیارات نیز اینچنین است.

در ذیل فاصله ی متوسط سیارات را نسبت به خورشید می آوریم:

اسم سیاره	فاصله ی سیاره از خورشید
عطارد	حدود ۸۵ میلیون کیلومتر
زهره	حدود ۱۰۸ میلیون کیلومتر
زمین	۱۴۹/۵ میلیون کیلومتر
مریخ	۲۲۸ میلیون کیلومتر
مشتری	۷۷۴ میلیون کیلومتر
زحل	۱/۴۱۸ میلیارد کیلومتر
اورانوس	۲/۸۵۴ میلیارد کیلومتر
نپتون	۴/۴۷۲ میلیارد کیلومتر
پلوتون	۵/۸۷۳ میلیارد کیلومتر

این فواصل که وهمی و خیالی به نظر می رسند، همان فواصل بین افراد یک خانواده است که با همدیگر در فضایی بسیار وسیع به دور مادر بزرگش (خورشید) گردش می کنند، لکن علی رغم بزرگی آن، جداً فواصل ناچیزی در مقابل فواصل بین خورشیدها می باشد.^۱

^۱ الاسلام والعقائد العلمیة. محمود القاسم. بتصرف ص ۱۲۱ وانظر الانسان بين العلم والدين. د. شوقي أبوخليل ص ۷۱. و کتاب التوحید لعبد المجید الزندانی ص ۲۳۰

در اینجا از بحث منظومه ی شمسی مان خارج می شویم، تا فواصل بین خورشید و سایر خورشیدها را مشاهده کنیم، کیلومترها و میلیون ها یا میلیاردها، بی معنی می شود و ابزار مقایسه سال های نوری می گردد.

سال نوری: مسافتی است که نور در یک سال طی می کند و آن مساوی (۹/۴۶۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰) نه تریلیون و چهارصد و شصت میلیارد و هشتصد میلیون کیلومتر است.^۱

✓ نزدیکترین ستاره به خورشید ما (قنطوروس آ) است که از ما حدود چهار و یک سوم سال نوری فاصله دارد.

✓ شعری یمانی بیش از شش سال نوری از ما فاصله دارد .

✓ همانطور ستاره (دجاجة ۶۱) حدود هشت و نیم سال نوری فاصله دارد و در اینجا جداً تعداد کمی از ستارگان که بیش از هفت عدد نیستند، فاصله آنها از ما حدود ده سال نوری است، در حالیکه ستارگان دیگر صدها و هزارها و میلیون ها و میلیاردها سال نوری از ما فاصله دارند.^۲

آیا با من هم عقیده نیستی در اینکه (مواقع نجوم) که خداوند به آن قسم خورده است فاصله ای بسیار بسیار عظیم است؟

آیا این تناسب د ر جایگاه ستارگان و اندازه های آنها و فواصل بین آنها و جایگاه سیارات و فواصل آنها، همه اش از آثار تصادف است؟

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا بِإِلَآ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا» ص/۲۷. «و ما آسمان و زمین و آنچه را در میان این دو است بیهوده نیافریدیم این گمان کافران است. وای بر کافران از آتش دوزخ!»

۱ سرعت نور (۳۰۰۰۰۰ کیلومتر) در ثانیه است

۲ الاسلام والحقائق العلمية. محمود القاسم ص ۱۰۲

۲/۲۵ قرآن در مورد زندگی بر روی سیارات چه گفته است؟

قرآن کریم، اولین کتابی است که وجود موجودات زنده در آسمانها را در معرض گفتگو قرار داده است و این مطلب را از ۱۴ قرن پیش بیان می‌کند با اینکه علم پیوسته در حال تلاش و جستجو در این زمینه بوده است.

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» نحل/۴۹. «و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و همچنین فرشتگان برای خدا سجده می‌کنند و آنها در این راه هیچگونه استکبار نمی‌ورزند.»^۱ و لازم است که مطلقاً گمان نکنیم که ملائکه در معنی کلمه ی (دابة) داخل می‌شوند زیرا آنها بر روی زمین نمی‌خزند و بر روی پاها راه نمی‌روند و کلمه ی (دابة) یعنی موجودات زنده که آب عنصر اساسی را در ترکیب عضوی آن تشکیل می‌دهد، هر چه این جنبنده باشد به قول خداوند تعالی: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ» نور/۴۵. «و خداوند هر جنبنده ای را از آب آفرید.»^۲

و خداوند تعالی در حالیکه اشاره به موجودات عاقل در آسمانها می‌کند می‌فرماید: «و همه ی کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اطاعت و تسلیم یا از روی کراهت برای خدا سجده می‌کنند.»^۳ رعد/۱۵. و خداوند تعالی می‌فرماید: «وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» اسراء/۵۵. «و پروردگار تو به کسانی که در آسمان ها و زمینند آگاهتر است»

^۱ ملاحظه می‌شود که کلمه (ملائکه) در آیه معطوف به کلمه ی (دابة) شده است و عطف مغایرت را اقتضاء می‌کند

^۲ معلوم است که ملائکه اجسامی خلق شده از نورند

^۳ الاسلام و الحقائق العلمية، محمود القاسم ص ۱۳۱

^۴ کلمه ی «مَنْ» برای عاقل به کار گرفته می‌شود.

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا» مریم/۹۳. «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده خداوند رحمانند»

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ». شوری/۲۹. «و از آیات و نشانه‌های اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنندگان در آنها خلق و پراکنده ساخته است او هرگاه بخواهد قادر بر جمع کردن آنهاست.^۱» این است آنچه قرآن کریم به آن اشاره کرده است. پس علم در مورد آن چه گفته است؟

بعضی از دانشمندان کیهان شناس می‌گویند: (عجب نیست که در بعضی از سیارات آسمانی موجودات زنده ساکن باشند بلکه عجیب است که موجودات زنده ساکن نباشند.^۲) و مؤسسه ی (ناسا) سال ۱۹۷۰ در (کالیفرنیا) در بحثهای تحقیقات فضایی اعلان کرد: (شهاب سنگی که در سال گذشته در استرالیا سقوط کرد، محتوی اسیدهای آمینه است و آن سنگ زیر بنا در ساختمان اعضای موجود زنده است، از اینجا است که امکان وجود حیات در خارج از کره ی زمین داده می‌شود.^۳)

دانشمند کیهان شناس (ستیفن دول) در کتابش به نام (سیارات شایسته برای زندگی انسان) که در سال ۱۹۷۰ از چاپخانه (ایلسیفر) در نیویورک منتشر شد، ۱۴ ستاره‌ی نزدیکتر به خورشید را که میانگین فاصله آنها از ۲۲ سال نوری کمتر است به ترتیب مشخص کرده است و آنها ستارگانی هستند که (دول) به وجود زندگی در حال تکامل در روی بعضی از سیارات آنها بر مبنای بعضی دلایل معتقد است.^۴

^۱ مفسران گفته اند: (همانا این جمع همان جمع برای حسابرسی روز قیامت است) و شاید این جمع در دنیا قبل از آخرت باشد پس آیه احتمال اینکه جمع مخلوقات آسمان و زمین را در بر گیرد نفی نمی‌کند.

^۲ الإنسان بین العلم و الدین، مؤلف شوقی ابو خلیل ص ۱۶۸.

^۳ الإنسان بین العلم و الدین، مؤلف شوقی ابو خلیل ص ۱۷۱.

^۴ مجلة الفیصل، شماره ۱۴۶، سال ۱۹۸۹ ص ۶۱.

در سال ۱۹۷۴ میلادی، اولین پیام به تمدن‌های هستی ارسال شد که سه دقیقه طول کشید. در این پیام تصمیم گرفته شده بود که معلومات اساسی راجع به تمدن زمین و ساکنان آن ارسال شود و چون با عنوان (آریسو) نوشته شده بود با انتقادات جهانی مواجه شد. به این دلیل که این عمل برای همه ی بشریت مهم است، نه فقط گروهی که به ارسال اقدام کرده‌اند.

این پیام (به شکل ضربات ناپیوسته که تعداد آنها به ۱۶۷۹ عدد می‌رسید) ارسال شده است، به سوی بخشی از کهکشان (درب التبانة) که (العنقود النجمی الکروی) نامیده می‌شود و واقع در (برج الجاثی) است و پیام با ارقام دو رقمی که از صفرها و واحدها تشکیل شده، نوشته شده و رموز ارقام مستعمله بر روی زمین از (۱) تا (۱۰) را در بر دارد و همچنین اعداد جدا از هم (۱، ۶، ۷، ۸ و ۱۵) که از اعداد اتمی عناصر هیدروژن و کربن و ازت و اکسیژن و فسفر (۱) است و این اولین گفتگو برای ارتباط با ستارگان بود.

پیام (آریسو) از ۱۶۷۹ نقطه‌ی جدا از هم تشکیل می‌شود که هریک از آنها رقمی (صفر یا واحد) است که به عنقود النجمی الکروی در ۱۹۷۴ میلادی ارسال شده و توضیحاتی از مهمترین ویژگیهای تمدن زمین را در بر دارد.^۱

لازم است بگوییم: اگر حقایق علم امروز یا فردا بگویند که زندگی بر سطح یکی از سیارات وجود دارد، به این معنی نیست که زندگی در آنجا شبیه زندگی ماست شاید پیشرفته تر باشد و شاید یکی از انواع میکروبها یا باکتری‌ها یا گیاهان خزهای یا جلبک‌ها از نظر علمی باشد که در هر مجموعه‌ی شمسی از کهکشان ما موجود باشند و علم به آن دسترسی یابد و یا اینکه در میلیونها مجموعه‌ی شمسی شمارش شده، سیاره‌ای مانند سیاره‌ی زمین ما

^۱ مجله الفیصل العدد ۱۲۶ للعام ۱۹۸۹ ص ۶۲

در موقعیتی مناسب برای زندگی یافت شود، به هر حال نظریات علمی تا امروز به وجود زندگی در سیارات دیگر قطعی نشده است.^۱

اما قرآن در این امر نظر قطعی داده است، زیرا علم از بسیاری از فرضیه هایش صرف نظر می کند و پیوسته، فرضیات متعدد در حال طرح و ردّ است و نسبت به بسیاری از امور انسان و زمین نا آگاه است، ولی در آینده ای نزدیک یا دور به حقایق قرآن کریم دست خواهد یافت.

۳/۲۶ اشاره به منافذ جبه (مین)

خداوند تعالی می فرماید: «وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَاباً مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ» (حجر/۱۵-۱۴). «اگر دری از آسمان را بر روی آنها بگشاییم و آنها مرتباً به آسمان صعود و نزول کنند باز می گویند ما را چشم بندی کرده اند.»

کلمه‌ی (باب) که در این آیه آمده، بیشتر از یک معنی دارد و علمای کیهان شناسی و فضا نوردی تأکید کرده اند که آنها هنگامی سفینه های فضایی را می فرستند، ناگزیر این سفینه ها از راهی معین و محدود از زمین عبور می کنند تا از پوسته ی جو که زمین را احاطه کرده است خارج شوند و این راهها را از نظر علمی (منافذ الغلاف الجوی) نامیده اند.

و از طریق آن از نیروی جاذبه ی زمین خارج می شوند و هنگام بازگشت از همان موضع، به جو زمین وارد می شوند. علمای آمریکایی بارها به این موضوع عنایت کرده اند و سفینه های آنها باز می گردند و مجدداً در فضا دور می زنند تا بتوانند از منافذ صحیح و با موفقیت به داخل جاذبه ی زمین وارد شوند.^۲

^۱ مجله العلم والایمان التونسية العدد ۱۸ ص ۶.

^۲ القرآن وعلوم العصر الحديث. ابراهیم عراجی ص ۷۸.

۱۴/۲۷ سیارکها

اصل سیارکها: بعضی گفته‌اند که سیارکها نتیجه و حادثه‌ی غم انگیزی است که در سیاره‌ی سیاری که در این مکان با مجموعه‌ی ۹ سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی سیر می‌کردند (اتفاق افتاده) و بحثها دلالت می‌کند که حجم آن قبل از انفجارش هزار مرتبه از زمین کوچکتر بود و لیکن چرا منفجر شد؟

این در نتیجه گرفتار شدن این سیارکها در نیروی گرانشی مشتری است^۱.

آیه‌ی قرآن به این سیارکها اشاره کرده است: «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَاءُ نَحْصِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ» سبأ/۹. «آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار گرفته نگاه کردند اگر ما بخواهیم به زمین دستور می‌دهیم بیکر آنها را در خود فرو برد و اگر بخواهیم فرمان می‌دهیم قطعا سنگهای آسمانی بر آنها فرو بارد، در این موضوع نشانه‌ای روشن است برای هر بنده‌ای که به سوی ما باز گردد.»

(الْكَسْفَةُ: قطعه‌ای از شیئی، و جمع آن: كِسْفٌ، و كِسْفٌ است).

^۱ الانسان بين العلم والدين د. شوقي ابوخليل ص ۱۱۹ پاکمی تصرف

اعجاز قرآن در عالم دریاها

۱/۲۸ فواصل بین دریاها

خداوند تعالی می‌فرماید: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبَأَىٰ آلاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» الرحمن/۲۲-۱۹. «دو دریا را (به گونه‌ای) روان کرد (که) با هم برخورد کنند. اما میان آن دو، حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند، پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ از هر دو (دریا) مروارید و مرجان برآید.» این آیه اشاره می‌کند، به اینکه اینجا دو دریای شور است و در هر یک از آن دو لؤلؤ و مرجان وجود دارد و مرجان فقط از خواص دریاهای شور است سپس آن دو عملاً با یکدیگر برخورد می‌کنند ولی بین آن دو حد فاصل و مانعی یافت می‌شود.

اینجا کلمه‌ی (برزخ) در آیه یعنی مانعی که میان آب دریاها و اقیانوس‌ها فاصله می‌اندازد و مهمترین درجه‌ی اعجاز قرآن در آیه در کلمه‌ی (مرج) است و معنی (مرج) در فرهنگهای لغت: چیزی که با اضطراب رفت و آمد می‌کند و خداوند سبحان، خواست که این حقیقت آشکار شود و در عصر علم (این امر) کشف شد.

و خداوند تعالی می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَحِجْراً مُّهْجُوراً» فرقان/۵۳. «و اوست کسی که دو دریا را موج زنان به سوی هم روان کرد: این یکی شیرین (و) آن یکی شور (و) تلخ است، و میان آن دو، مانع و حریمی استوار قرار داد.»

اما این آیه‌ی قرآنی، اعجاز مخصوص به خود را دارد و آن اینست که برخورد دو دریای شور غیر از برخورد دریای شیرین با آب شور است و علمای دریاشناسی این پدیده را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که آب رودخانه هنگام برخورد با آب دریا به شکل جبهه‌ای شکسته می‌شود و باز می‌گردد.

و این چنین آبهای دریا هم می‌شکنند و باز می‌گردند و فاصله‌ی ایجاد شده‌ی بین آن دو (یا حد فاصل بین این دو آب)، ویژگیهای خاص خود را دارد و علاوه بر آن، ماهیها و حیوانات آن هم مخصوص به آن است. ماهیهای رودخانه به دریا وارد نمی‌شوند و ماهیهای

دریا وارد رودخانه نمی‌شوند و این حد فاصل از سطح تا اعماق (رودخانه و دریا) تشکیل می‌شود و اینجا اعجاز آیه‌ی کریمه آشکار می‌شود به نحوی که آن (حد فاصل) ماهیه‌ای معین و خاص را محصور کرده است.^۱

و از نمونه های برخورد رودخانه‌ها و وجود مانع بین آن‌ها، دو رود در (توشاتکام) در پاکستان شرقی در شهر (ارکان) در (بورما) جاری می‌شوند و انسان می‌تواند استقلال این دو رودخانه را مشاهده نموده و به نظر این چنین می‌رسد که از وسط آن دو، خطی به عنوان حد فاصل می‌گذرد و در یک طرف آن خط، آب شیرین و در طرف دیگرش آب شور واقع می‌شود.

این پدیده قانونی دارد که (قانون کشش سطحی) نامیده می‌شود و آن، بین این دو سائل فاصله می‌اندازد زیرا جاذبه‌ی اجزای این دو رودخانه با یکدیگر اختلاف دارد و لذا هر سائلی استقلال خود را در جایگاهش حفظ می‌کند و علم جدید از این قانون بسیار استفاده نموده که قرآن کریم با این گفتار خداوند تعالی از آن تعبیر کرده است: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» الرحمن/۲۰.

و می‌توانیم با اطمینان کامل بگوییم: منظور از کلمه ی (برزخ) قطعاً همان (کشش یا نیروی کشش سطحی) است که در بین دو آب ایجاد می‌شود و آن دو را از یکدیگر جدا می‌کند.^۲

^۱ القرآن وعلوم العصر الحديثة ابراهیم فواز عراجی ص ۱۰۸ بتصرف

^۲ الاسلام يتحدى. وحيد الدين خان ص ۱۴۲ بتصرف. و انظر الاشارات العلمية فى القرآن ص ۷۳ و انظر سبعون برهانا علميا على وجود

۲/۲۹ امواج دافلی و سطمی

خداوند تعالی فرمود: «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِيهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ» نور/۴۰. «یا همانند ظلماتی است در یک اقیانوس پهناور که موج آن را پوشانده و بر فراز آن موج دیگری، بر فراز آن ابری تاریک است اگر دست خود را بیرون آورد ممکن نیست آن را ببیند و کسی که خدا برایش نوری قرار نداده، نوری برایش نیست.»^۱

الْجِّي: عمیق و پر آب^۱

در این آیه اشاره به امواج داخلی و سطحی شده است پس بزرگترین امواج اقیانوس و وحشتناک ترین آن امواجی است که در خطوط سیر پیچیده‌اش در حالیکه در اعماق بسیار دور دریا متحرک است، ولی دیده نمی‌شود و از سالها پیش معروف بوده است که کشتیهایی که به قطب شمال می‌رفتند راهشان را، با سختی و مشقت بسیاری طی می‌کردند (در آنجا که آب میت) نامیده می‌شود و اکنون به عنوان امواج داخلی شناخته شده است).

در اوایل سال ۱۹۰۰ میلادی، بسیاری از دریانوردان اسکاندیناوی انتظار را به وجود امواج زیر سطح آب جلب کردند. و اکنون علی‌رغم اینکه ناهمواریها (پیچیدگیها) همیشه علت پیدایش این امواج عظیم (که در پائین‌ترین سطح بالا و پایین می‌رود) شناخته می‌شود، ایجاد آن حقا در منطقه‌ی وسیعی در اقیانوس امری شناخته‌شده است پس این امواج زیردریاییها را در آبهای عمیق در هم می‌کوبد، همانطور که امواج سطحی نظایر آن کشتیها را در هم می‌کوبد و آشکار می‌شود که این امواج هنگام برخورد با طوفان خلیج و طوفانهای قوی دیگر در عمق دریا شکسته می‌شود. پس آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» نور/۴۰. «موج آنرا فرا گرفته از بالای آن موجی.»

^۱ انظر كلمات القرآن لحسين محمد مخلوف ص ۲۱۹

اشاره به امواج داخلی و سطحی است و این را تأیید می‌کند آنچه که قرآن دریا را با آن وصف کرده که (لُجْی) پر آب و عمیق است و در این آیه به اقیانوسها اشاره شده نه به سواحل.

لازم به یادآوری است که در این مواضع تابش نور خورشید کم می‌شود پس نظرت چیست در مورد اجتماع ابرهایی که در آن تاریکی زیاد می‌شود و در نتیجه ی آن معنی آیه روشن می‌شود. «إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِيهَا». «هر گاه دست خود را بیرون آورد ممکن نیست آنرا ببیند.»

پس این آیه ارتباطی با موقعیت جغرافیایی که قرآن در آن نازل شده است ندارد. و اگر فرض کنیم که حضرت محمد (ص) در دوره ی جوانیش منظره ی دریا را دیده است، هرگز آن حضرت سواحل دریای احمر و دریای ابیض را مشاهده نکرده است ولی بر آنجا منطبق می‌شود، آنچه که قرآن آنرا وصف کرده است.

همه ی این مطالب برای ما دلیل واضحی است. که قرآن وحی الهی است.^۱ و از جمله (اموری) که علم ما را با خبر ساخته این است:

دریانوردان اسکانندیناوی در سال ۱۹۰۰ میلادی موجی را کشف کردند، این موج در زیر سطح آب در عمق ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر وجود دارد و دانشمندان ویژگیها و خصوصیات این آبهای خیلی عمیق و کم عمق را بررسی نموده و برای آنها روشن شده که آن دوازده حیث سرما و گرما و غلظت و حیوانات و ماهیها و نور متفاوتند، زیرا در این امواج داخلی هیچ چیز دیده نمی‌شود و منطقه ی تاریکیهای مطلق آغاز می‌شود تا حدی که اگر انسان دستش را از آن بیرون آورد، تقریباً دیده نمی‌شود.^۲

^۱ روح الدین اسلامی. عقیق طبارة ص ۵۸

^۲ القرآن و علوم العصر الحديثة. ابراهیم فواز عراجی ص ۱۰۸

شهادت یکی از دانشمندان دریاشناس غرب

و در اینجا به بیانات پروفیسور (شرویدر) اشاره می‌کنیم، او از بزرگترین دریا شناسان آلمان بود. او در جلسه‌ای که در دانشگاه ملک عبدالعزیز در عربستان تشکیل شد، بعد از اینکه این حقایق از علم دریا شناسی بر او عرضه شد و معنی آیات قرآن را شنید و چند سؤال برای او مطرح شد، با این عبارت گفت: «آنچه را در این انجمن شنیدم و سؤالاتی که برایم مطرح شد ثابت می‌کند که همه ی آنچه را که ما دانشمندان کشف کردیم از جانب خداوند خالق مجید ذکر شده است و به این نتیجه می‌رسیم که اینجا علمی واحد و حقیقتی واحد و معبودی واحد است و من انتشار این علم را در مثل این مجامع علمی (از بین همه‌ی عالم) مطالبه می‌کنم^۱. پس چگونه پیامبر مصطفی (ص) این علم را شناخت در حالی که امروز، در عصر علم جدید برای انسان ممکن نیست که تا ارتفاع زیادی در این آبها جز با امکانات و اکسیژن و وسایل غواصی مناسب، فرو رود، چون فرو رفتن بیشتر از ۱۵ متر در زیر آب بدون وسایل (باعث می‌شود) خون به طور کامل فوران کند و به دنبال آن گاز نیتروژن در خون حل می‌شود و در نتیجه مرگ حتمی است^۲»

و شاید این حقایق علمی و مانند آن از جمله نتایجی است که درستی رسالت پیامبر (ص) وحی و قرآن را که از جانب خداوند و معجزه ی پیامبر امّی است تصدیق می‌کند.

۳۰/۳ نسبت بین دریا و خشکی

قطعاً پیامبر خدا (ص) در محیط صحرا زندگی کرده است و قوم او تجارت در دریا را نشناختند پس اگر قرآن از نزد محمد (ص) بود در قرآن کریم مخصوصاً ذکر کلمه‌ی (بَرّ) را بیشتر از کلمه‌ی (بَحْر) می‌یافتیم زیرا هرگز پیامبر (ص) به دریا سفر نکرده است.

^۱ محاضرة الاعجاز العلمی فی القرآن . الشیخ عبدالمجید الزندانی (نوار ویدئو)

^۲ القرآن وعلوم العصر الحديث. ابراهیم فواز عراجی ص ۱۰۸

کلمه‌ی (بَحْر) در ۳۲ آیه آمده است^۱ و این کلمه مقابل کلمه‌ی بَرّ است و کلمه‌ی بَرّ در (۱۲) آیه آمده است^۲. و فقط یک بار هم، کلمه‌ی (بَحْر) مقابل کلمه‌ی (بَحْر) در سوره‌ی طه آمده، پس در مجموع کلمه‌ی (بَرّ) ۱۳ بار در قرآن آمده است.

و آیاتی که کلمه‌ی (بَحْر) در آنها آمده است، عبارتند از:

۱. «وَ إِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُم مِّنْ غَمٍّ ۖ وَقَتَلْنَا الْأَوَّلَ ذَئِبْرًا ۖ وَ قَتَلْنَا الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» بقره/ ۵۰ «و هنگامی که دریا را شکافتیم و

شما را نجات دادیم.....»

۲. «وَالْفُلُوكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ» بقره/ ۱۶۴ «و کشتی‌هایی که در

دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند.»

۳. «أَحِلَّ لَكُم صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ.....» مائده/ ۹۶ «صید دریا و مأكولات آن برای

شما حلال شده است»

۴. «وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ.....» انعام/ ۵۹ «و می‌داند آنچه را در خشکی و

دریاست»

۵. «قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا» انعام/ ۶۳.

«بگو چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می‌رهاند؟ در حالی که او را به

زاری و در نهان می‌خوانید»

۶. «وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ» انعام/ ۹۷. «و

اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکی‌های خشکی

و دریا راه یابید»

۷. «وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ.....» اعراف/ ۱۳۸. «و بنی اسرائیل را از دریا

گذراندیم...»

^۱ نگاه کن به: المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، ص ۱۱۴، طبع دارالفکر.

^۲ المرجع السابق، ص ۱۱۷.

۸. «وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ»..... اعراف/۱۶۳ «و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود، از ایشان جویا شو»
۹. «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» یونس/۲۲. «او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند.»
۱۰. «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ» یونس/۹۰. «و فرزندان اسرائیل را از دنیا گذرانیدیم، پس فرعون و سپاهیان آنها را دنبال کردند.»
۱۱. «وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِيهِ»
۱۲. «الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ»..... «ابراهیم/۳۲. «و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شوید»
۱۳. «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا»..... نحل/۱۴. «و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید»
۱۴. «رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» اِسرَاء/۶۶ «پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از فضل او برای خود بجوید»
۱۵. «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ» اِسرَاء/۶۷. «و چون در دریا به شما صدمه ای برسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید (و فراموش) می گردد.»
۱۶. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» اِسرَاء/۷۰. «به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در دریا و خشکی برنشانیدیم...»
۱۷. «نَسِيًا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا» كهف/۶۱ «ماهی خودشان را فراموش کردند و ماهی در دریا راه خویش را در پیش گرفت»
۱۸. «وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا» كهف/۶۳. «شگفت آنکه ماهی راه دریا گرفت و برفت»
۱۹. «أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ»..... كهف/۷۹ «اما آن کشتی، صاحبش خانواده فقیری بودند که در دریا کار می کردند ..»

۲۰. « قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ » كهف/ ۱۰۹. « بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آنکه کلمات الهی به پایان رسد دریا خشک شود »
۲۱. « فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا » طه/ ۷۷. « پس راهی خشک برای آنها در دریا بزن »
۲۲. « وَ سَخَّرَ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُكَ تَجَرَّى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ » حج/ ۶۵. « هر چه در زمین است مسخر شما گردانید و کشتی در دریا به فرمان او سیر می کند. »
۲۳. « أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ » نور/ ۴۰ « یا به ظلمات دریای عمیق ماند که امواج آن بعضی بالای بعضی دیگر را بیوشاند... »
۲۴. « فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ » شعراء/ ۶۳. « پس به موسی وحی کردیم که عصای خود را به دریای نیل بزن »
۲۵. « أَمْ نَ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتٍ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ » نمل/ ۶۳ « آیا آن کیست که در تاریکیهای خشکی و دریا شما را راهنمایی می کند »
۲۶. « ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ » روم/ ۴۱ « فساد در خشکی و دریا به سبب اعمال خود مردم پدید آمد »
۲۷. « وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ... » لقمان/ ۲۷. « و آب دریا بعد از آن، هفت دریا مداد گردد... »
۲۸. « أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجَرَّى فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ » لقمان/ ۳۱ « آیا نمی بینی که چگونه کسی در دریا به لطف خدا سیر می کند »
۲۹. « وَ مِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَغْلَامِ » شوری/ ۳۲ « و از آیات الهی گردش کشتیهاست که در آب دریا مانند قصرها به حرکت می آورد »
۳۰. « وَ أَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ » دخان/ ۲۴. « و دریا را بگذار و بگذر تا فرعون و لشکریانش در دریا غرق شوند. »

۳۱. «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ» جاثیه/۱۲. «خدایی که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر خدا آسان در آب جاری شود»
۳۲. «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ...» طور/۶ «قسم به دریای آتش فروزان...»
۳۳. «وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ» الرحمن/۲۴. «و او راست کشتیهای بزرگ مانند کوه که به دریا در حال گردشند»
- اما آیاتی که در آنها کلمه‌ی (بَرّ) وارد شده است، عبارتند از:
۱. «وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا» مائده/۹۶ «صید بیابان تا زمانیکه محرم هستید بر شما حرام شد»
۲. «وَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْأَبْحَرِ.....» انعام/۵۹ «و می داند آنچه را در خشکی و دریاست»
۳. «قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ.....» انعام/۶۳ «بگو آن کیست که شما را از تاریکیها و سختیهای بیابان و دریا نجات می‌دهد»
۴. «جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» انعام/۹۷ «که چراغ ستارگان را برای راهنمایی در تاریکی‌های بیابان و دریا روشن داشته»
۵. «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» یونس/۲۲ «اوست آنکه شما را در بر و بحر سیر می‌دهد»
۶. «فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اِغْرَضْتُمُ...» اِسرائ/۶۷ «و چون شما را به سوی خشکی رها کنید، رویگردان می‌شوید»
۷. «أَفَأَمِنْتُمْ أَن يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ.....» اِسرائ/۶۸ «مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد.»
۸. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» اِسرائ/۷۰. «و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) برنشانیدیم»
۹. «أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» نمل/۶۳ «یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا می‌نماید.»

۱۰. « فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ » عنکبوت / ۶۵. « چون آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بناگاه شرک می‌ورزند. »

۱۱. « ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ » روم / ۴۱. « فساد در خشکی و دریا نمودار شده است »

۱۲. « فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ لَقَمَانِ » ۳۲. « و چون نجاتشان داد و آنها را به خشکی رساند بعضی از آنها میانه رو هستند »

۱۳. و در سوره ی طه آیه ی ۷۷ « فَأَضْرِبْ لَهُمُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا » کلمه ی (يَبَسَ) در اینجا بمعنی خشکی یعنی بر عکس دریاست. پس در مجموع ۱۳ مرتبه کلمه ی (بَرّ) بکار رفته است. و سوالی که اکنون مطرح می‌کنیم این است که: چه نسبتی بین دریا و خشکی در این آیات کریمه وجود دارد؟

با محاسبه ی دقیق آیات به این نتیجه می‌رسیم: $۴۵ = ۳۲$ (بحر) + ۱۳ (بَرّ) و آب و خشکی ۱۰۰٪ زمین یا مساحت کل زمین را تشکیل می‌دهند.

اگر سطح زمین را صد فرض کنیم، مجموعه ی آن خشکی و دریاست و مجموعه ی کلمه ی (بَرّ و بحر) ۴۵ مرتبه در قرآن به کار رفته پس با یک تناسب به این نتیجه می‌رسیم که نسبت آب به خشکی بر روی کره ی زمین با دقت تمام، همان نسبت کلمات خشکی و دریا در قرآن است^۱.

$$\text{دریا} \quad ۳۲ \times ۱۰۰ \div ۴۵ = ۷۱/۱۱۱$$

$$\text{خشکی} \quad ۱۳ \times ۱۰۰ \div ۴۵ = ۲۸/۸۸۸$$

^۱ الانسان بين العلم والدين د. شوقي ابو خلیل ص ۱۱۶

۱۴/۳۱ آب اصل و منشأ زندگی

و خداوند در کتاب کریمش می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»^۱ انبیاء/۳۰. «هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم، آیا ایمان نمی‌آورند»

علم جدید اثبات کرده است که اصل و منشأ زندگی همان آب است، بلکه آب ماده‌ی اساسی در ساخت هر چیز زنده و سر منشأ همه چیز است، آب عنصر اولیه‌ی سلول زنده است و از این سلول، گیاه و حیوان و انسان ساخته می‌شود.^۲

و هنگامی علما امکان زندگی بر هر سیاره‌ای را بررسی می‌کنند، به این سؤال مبادرت می‌ورزند: آیا در این سیاره آب وجود دارد و آیا مقدار آن کافی است یا نه؟

و قرآن کریم برای منشأ زندگی در مسیر اصلی آن به تعریف هویت آب پرداخته، زیرا اولاً: آب اصل و سر منشأ حیات است، ثانیاً: عالم گیاه و توازن حاکم بر آن وابسته به آب است. ثالثاً: عالم حیوان و عالم انسان از آغاز نطفه تا کامل شدن و حتی ترکیب و نظم آن وابسته به آب است.^۳

علم شیمی حیاتی اثبات کرده است که آب برای همه‌ی فعل و انفعالاتی که در داخل اجسام موجودات زنده انجام می‌شود ضرورت دارد، پس آب یا واسطه‌ی حیات و یا عاملی مساعد برای حیات یا داخل در فعل و انفعال آن و یا تولید کننده‌ی حیات است و علم وظایف اعضا را اثبات کرده است که آب برای اقدام هر عضوی به انجام وظایفش لازم و ضروری است (به نحوی) که بدون آب مظاهر حیات و پایداری آن فراهم نمی‌شود.^۴

-آب اساس پیدایش سلولها است و سلولهای خون و مایع لنفاوی نخاعی و زواید بدن مانند بول و عرق و اشکها و آب دهان و صفرا و شیر و مایعات درون مفاصل (وابسته به آب

^۱ کلمه‌ی (ماء) یا همه‌ی مشتقات آن ۶۳ بار در قرآن بکار رفته و این آیات بیان می‌کند که آب اصل زندگی هر چیزی از گیاه و حیوان است.

^۲ القرآن و علوم العصر الحديث، ابراهیم فواز عراجی ص ۱۱۱

^۳ القرآن و علوم العصر الحديث، ابراهیم فواز عراجی ص ۱۱۲

است)، (هم چنین) آب سبب طراوت جسم و ترمی آن می‌شود و حدود ۷۰٪ از وزن بدن انسان را (آب) تشکیل می‌دهد، انسان شصت روز بدون غذا می‌تواند زندگی کند ولی بیشتر از چهار روز بدون آب نمی‌تواند زندگی کند و مطلقاً این معلومات یا جزئی از آن در سرزمین عربستان قبل از نزول قرآن شناخته شده نبود و آیه‌ی کریمه، این معنی را تأیید می‌کند: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ، يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» نور/۴۵. «خداوند هر جنبه‌ای را از آبی آفرید، پس گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند و گروهی بر روی دو یا چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را اراده می‌کند، می‌آفریند؛ چرا که خداوند بر همه چیز تواناست.»^۱

سرمنشأ و اصل انسان از آب است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ، خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» طارق/۷-۵ «پس باید انسان بنگرد، از چه آفریده شده از یک آب جهنده آفریده شده آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود.»
اصل گیاه از آب است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَ مِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الزَّيْتُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» نحل/۱۱-۱۰. «او کسی است که از آسمان آبی فرستاده که نوشیدنی شما از آن است و نیز گیاهان و درختان از آب به وجود می‌آیند که در آن (گوسفندان را) به چرا می‌فرستید خداوند برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور را از همه‌ی میوه‌ها می‌رویاند، نشانه‌ی روشنی برای اندیشمندان است.»

- تجارب جدید اثبات کرده‌است که کشت گیاه در محلول آب بدون هیچ نیازی به خاک ممکن است و این روش (زراعت آبی) نامیده می‌شود و شیمیدان فنلاندی (فان هلمونست) به

^۱ القرآن و علوم العصر الحديثة. ابراهیم فواز عراجی ص ۱۱۳

کشت درخت بید در دلوی اقدام کرد و حدود پنج سال رشد می کرد پس درخت بزرگ شد و چوب آن محکم گشت و وزن آن به ۶۷ کیلوگرم رسید. فان هلمونت به این نتیجه رسید که گیاهان تنها از خاک تغذیه نمی کنند، بلکه از آب که پی در پی به آن اضافه می شود (تغذیه می کنند) و بدون آن از بین می روند. یا هر چند جنس خاک برای رشد گیاه در آن خوب باشد بدون آب نابود می شود.^۱

و قرآن کریم از فواید بسیار عظیم آب در زندگی انسان گفتگو می کند، از آن جمله است:

۱. به کار گرفتن آب برای شرب و آبیاری، خداوند تعالی می فرماید: «فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا كُمُوهَ» حجر/۲۲. «و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم.»

۲. بیرون آوردن دانه و گیاه و باغها از زمین، خداوند تعالی می فرماید:

۳. «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتاً وَجَنَّاتٍ أَلْفَافاً» نبا/۱۶-۱۴. «و از ابرهای فشرده آبی فراوان نازل کردیم تا به وسیله ی آن دانه و گیاه بسیار برویانیم و باغهای پردرخت»

۴. زنده کردن زمین بعد از خشک شدن و مرگ آن. خداوند تعالی می فرماید: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» نحل/۶۵. «و خداوند از آسمان آبی فرستاد و زمین را پس از آنکه مرده بود به وسیله آن حیات بخشید»

۵. به کار گرفتن آب برای پاکیزگی و از بین بردن آلودگی که به انسان می رسد. خداوند تعالی می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُوراً» فرقان/۴۸. «و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم»

۶. بیرون آوردن میوه ها و روزی انسان و آنچه خداوند از منافع حیوانی برای او مسخر کرده است. خداوند تعالی می فرماید: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً

^۱ سبعون برهانا علمیا علی وجود الذات الالهية. ابن خلیفه علیوی. ص ۱۹۱.

لَكُمْ» ابراهیم/۳۲. «و از آسمان آبی را فرو فرستاد، پس بوسیله آن از میوه ها روزی را برای شما بیرون آورد.»

۷. زنده کردن همه چیز به واسطه و سبب آب است و همه ی آنها از عظمت قدرت خداوند تعالی و صنعت شگفت انگیز او می باشد. خداوند تعالی می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» انبیاء/۳۰. «و از آب هر چیز زنده ای را آفریدیم.»

اعجاز قرآن در عالم باده‌ها

۱/۳۲ و باده‌ها را (به عنوان) آبستن کننده‌ی رحم طبیعت فرستادیم

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» حجر/۲۲. «و ما بادهای بارورکننده‌ی رحم طبیعت را فرستادیم و از آسمان آبی فرو فرستادیم» در این آیه اشاره می‌کند که بادهای ابرها را باردار می‌کنند و آب را تشکیل می‌دهند، بادهای بخار آب صعود کننده از دریاها را حمل می‌کند و به نرمی و ملایمت تا فواصل زیادی از دریا آنرا می‌برد و اینجا بادهای ذرات آب (موجود) در ابرهای دارای بار منفی الکتریکی و آب (موجود) در ابرهای دارای بار مثبت الکتریکی، (عمل) لقاح را انجام می‌دهد و از این لقاح اتم کامل آب تولید می‌شود که به خاطر سنگینیش به شکل (باران) بر روی زمین فرود می‌آید. و از برخورد این ابرهای سریع در عمل لقاح و اختلاف بارهای مثبت و منفی آن‌ها جرقه‌ی الکتریکی ایجاد شده که (برق) نامیده می‌شود و از این برخورد صدایی شنیده می‌شود که (رعد) نام دارد.

همین طور آیه به استخدام باده‌ها در باردار شدن گیاهان اشاره می‌کند و این (امر) در علم گیاه شناسی معروف است.^۲

اللورد آفیری در کتابش (محاسن الطبيعة و عجائب الكون) می‌گوید: (درختان بسیاری، چون صنوبر و زان و بلوط هستند که بادهای آنها را باردار می‌کنند و هرگاه اتفاق افتاد که در فضای بیشه‌ای از صنوبر (رفت و آمد کنی) ابری از ذرات صعود کننده در هوا را مشاهده

^۱ لواقح: جمع (لاقح) یا (لاقحة) و آیه صفت باردار کردن را که برای بادهای اثبات کرد، بر فرود آمدن باران از ابرها مقدم داشت و ادات این ترتیب (فاء) است در قول خداوند تعالی (فانزلنا) بنابر این باردار شدن ابرها به وسیله بادهای همان راهی است که خداوند آنرا سببی برای نزول باران به شکلی که مشاهده می‌کنیم قرار داده، این است تعبیری که قرآن از آن با صراحت صحبت می‌کند. مراجعه کن به: (الاسلام ملاذ کل المجتمعات الانسانية للدكتور البوطی ص ۱۵۷)

^۲ الاشارات العلمية فی القرآن الکریم محمد وفا الامیری ص ۴۵

کنی، (باید) بدانی که آن ذرات گرد و غبار و ذرات آغشته به خاک عادی نیست، بلکه گرد و غبار شکوفه‌های صنوبر است که باد آنرا جابجا می‌کند.^۱

۲/۳۳ ابرهای متراکم و خصوصیات آنها

خداوند تعالی می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَسَرَّى الْأُودُقُ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَآ بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» نور/۴۳. «آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند، سپس آنها را با هم پیوند می‌دهد و بعد متراکم می‌سازد، پس در این حال دانه‌های باران را می‌بینی که از لابلای ابرها خارج می‌شوند و از آسمان، از کوه‌هایی که در آسمان است، دانه‌های تگرگ را نازل می‌کند هر کس را بخواهد به وسیله‌ی آن زیان می‌رساند و از هر کس بخواهد این عذاب و زیان را بر می‌دارد»

يُزْجِي سَحَابًا: ابرها را به آرامی به هر کجا بخواهد می‌راند.

يَجْعَلُهُ رُكَّامًا: رویهم قرار می‌گیرند.

الْأُودُقُ: باران

مِنْ خِلَالِهِ: از شکاف و مخارج آن

سَنَابِرْقُهُ: روشنایی و درخشش برق آن^۲

این آیه بر نظریات علمی پیشی گرفته است پس مراحل ایجاد ابرهای متراکم و خصوصیات آنها را بیان می‌کند و آنچه را علم در دوران اخیر شناخته از اینکه ابرهای باران‌زا به شکل مولکولهای متعدد یا پاره‌ای که امواج صعود کننده آنها را به سمت بالا

^۱ سبعون برهانا علميا على وجود الذات الالهية خليفة عليوى ص ۲۱۰ و مراجعه كن به كتاب التوحيد لعبيد المجيد الزنداني ص ۳۸ و

ص ۴۰

^۲ كلمات القرآن تفسير و بيان، حسنين محمد مخلوف ص ۲۱۹

می برد شکل می گیرد پس ابرهای متراکم باران دار را تشکیل می دهد که این ابرها (رکامیه) نامیده شده اند.

به خاطر تراکم این ابرها در طبقات مختلف که روی هم قرار گرفته و بادهای صعود کننده از زمین که بار الکتریکی مثبت را حمل می کنند و با اتحاد آنها با بار الکتریکی موجود در فضا، میدان الکتریکی را تشکیل می دهند که سبب می شود، تبدیل بخار به قطرات ریز آب به تدریج بزرگ شده تا اینکه باران می بارد.

و این است آنچه آنرا از گفتار خداوند تعالی می فهمیم: «الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا» یعنی خداوند ابرها را به نرمی به واسطه ی ابرها می راند (به حرکت در می آورد) «ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا» یعنی ابرها را در کنار همدیگر جمع می کند تا اینکه ابرهای (رکامیه) را تشکیل دهد «فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ» پس باران را می بینی، از درون این ابرها خارج می شود و از خصوصیات (رکامیه) این است که آنها در قسمت بالایی رشد می کند و جداً به ارتفاعی عظیم می رسد و برای کسی که به آن از فاصله دور نگاه می کند، مانند کوه های بلند ظاهر می شود، و تشابه بین ابرها و کوه ها شناخته نمی شود مگر کسی که سوار هواپیمایی است که او را به بالای ابرها می برد و آنرا شبیه کوه ها می بیند. و این است آنچه قرآن آنرا به ابرهای رکامیه به این گفتار خداوند تعالی وصف کرده است: «وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِزَّ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ». «و از آسمان، از کوه هایی که در آسمان است، دانه های تگرگ را نازل می کند»

و هرگاه بدانیم که در زمان نزول قرآن هواپیما نبود پس وصف ابرهای رکامیه به کوه ها، همان اعجاز علمی قرآن است. این مطلب که قرآن کریم بیان کرد که ابرها با سرما یخ می زنند «فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» «در آن تگرگ است»

و این حقیقت دیگری است که قرآن آنرا اعلان کرد، و قصه ی ایجاد تگرگ به این صورت انجام می پذیرد. بعد از اینکه ذرات ریز باران را امواج هوا به بالا می برد، تا به ارتفاعات سردی می رسد که در آن ارتفاعات بلند درجه ی حرارت ۴۰ تا ۵۰ درجه زیر صفر پایین می آید و آن مرحله ای است که در آن ذرات باران به برف تبدیل می شود همانطور که در اطراف آن پوششهایی از بلورهای برف جمع می شود که به تگرگ تبدیل می گردد.

و اینجا حقیقت علمی دیگری است که آن را آیه بیان کرده، و آن عبارت است از این که، ابرهای رگامیه تنها ابرهایی هستند که از آنها ممکن است برق تولید شود.

«يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» «تزدیک است درخشندگی برق ابرها، چشمهای انسان را ببرد» و برق جرقه‌ی الکتریکی عظیمی است که منشأ آن بارهای الکتریکی در ذرات آب داخل ابرها و همچنین هوایی که اطراف آن است می‌باشد و تخلیه‌ی الکتریکی در بین ابرهای مختلف با برخورد (آنها) انجام می‌شود.

از آشکارترین ضررهای صاعقه مبتلا شدن به کوری موقت است و شاید خلبانان هواپیما بیشتر از دیگر مردم در معرض آن باشند مخصوصاً هنگام اوج گرفتن آنها در داخل ابرهای رگامیه و لازم نیست به مجرد ایجاد صاعقه برف و باران ببارد، چون شاید امواج هوای صعود کننده‌ی ابرها را بدون فرود آمدن باران تا مکان معینی انتقال دهد تا جاییکه این امواج ضعیف شود و باران یا برف به شکل تگرگ فرود آید.

و این است معنی گفتار خداوند بلند مرتبه: «فَيَصِيبُ بِهٖ مِّنْ يَّسَاءٍ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّوْءِنٍ يَّسَاءٍ» «هرکس را بخواهد به وسیله‌ی آن آسیب می‌رساند و از هرکس بخواهد این زیان را بر طرف می‌سازد.»^۱

۳/۳۴ انواع بادهای در قرآن ذکر شده

قرآن کریم انواع بادهای زمین را به عنوان تذکر و پند برای صاحبان خرد ذکر کرده است از آن جمله است:

۱. الذَّارِيَّاتِ: و آنها بادهایی هستند که خاک و آب را پراکنده می‌کنند.^۲ یعنی آنرا بر می‌انگیزد و به حرکت در می‌آورد تا آن دو (یعنی) غبار و نمبار را پخش کنند سپس

^۱ روح الدّین الاسلامی، عقیف طباره ص ۵۳

^۲ انظر کلمات القرآن، حسنین محمد مخلوف ص ۳۳۰

باد دیگری آن دو را به بالا می‌برد. (ج.ن - لیونارد - فی کتابه جولة عبرالعلوم) می‌گوید: «پس هنگامی طوفان شدید بر روی اقیانوس می‌وزد امواج خروشان را ایجاد می‌کند، این امواج بر روی همدیگر با رؤوس سفید رنگ واژگون می‌شود و از آنها نمبار پخش شده و در هوا منتشر می‌شود.»

✓ خداوند تعالی این باد را با این گفتارش یاد کرده است «وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» ذاریات/۱ «سوگند به بادهایی که ابرها را به حرکت در می‌آورد»

۱. الحاملات: و آنها بادهایی است که ابرهای سنگین را حمل می‌کنند و آنها را در فضا به بالا می‌برند بعد از اینکه بادهای (ذاریات) آنها را به حرکت در می‌آورند. دلیل آن گفتار خداوند بلند مرتبه است: «فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا» ذاریات/۲ «سوگند به آن ابرها که بار سنگینی با خود حمل می‌کنند» یعنی بار سنگین و عظیمی از آنها.

۲. الجاریات: و آن بادهایی که ابرهای سنگین را در فضا به نرمی و آرامش بعد از بالا بردن با بادهای حاملات حمل می‌کند، دلیلش قول خداوند بلند مرتبه است: «فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا» ذاریات/۳ «و قسم به کشتیهایی که به آسانی به حرکت در می‌آیند.

۳. المقسمات: و آنها بادهایی است که بارانها را در سرزمین‌های مختلف بدون کم و زیاد تقسیم می‌کند. دلیل آن قول خداوند بلند مرتبه است: «فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا» الذاریات/۴. «و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند.»

امام فخر الدین رازی در مورد این بادهای چهارگانه می‌گوید:

«این چهار صفت برای بادهای وجود دارد. (ذاریات) بادهایی که ابرها را (اول) ایجاد می‌کند و (حاملات) بادهایی که ابرها را حمل می‌کند و هنگامی که باران فرو می‌ریزد، سیل‌های عظیمی جاری می‌شود و ابرهای پر باران از کوه‌ها سنگین‌تر است (والجاریات) بادهایی است

که ابرها را بعد از حمل آن به جریان می‌اندازد (والمقسمات) بادهایی که بارانها را در سرزمینهای مختلف پراکنده می‌کند.^۱»

۱. المرسلات: بادهایی که خداوند آنها را پی در پی می‌فرستد تا به یکدیگر پیوسته و ملحق شوند. دلیل آن گفتار خداوند تعالی است: «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا» مرسلات/۱ «سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می‌شوند»

۲. الْعَاصِفَاتِ: یعنی وزش شدید و طوفان قوی. دلیل آن قول خداوند تعالی است: «فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا» مرسلات/۲ «قسم به آنها که همچون تند باد حرکت می‌کنند»

۳. النّاشرات: بادهایی که باران را در بالای مزارع و سرزمین های خشک منتشر می‌کنند و به روییدن زراعت کمک می‌کنند. دلیل آن قول خداوند تعالی است: «وَالنّاشِرَاتِ نَشْرًا» مرسلات/۳. «قسم به آنها که ابرها را می‌گسترانند»

۴. الْفَارِقَاتِ: بادهایی که ابرها را در فضا متفرق و پراکنده می‌کنند. دلیل آن گفتار خداوند تعالی است: «فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا» مرسلات/۴ «قسم به آنها که جدا می‌کنند.»

۵. الْمُبَشِّرَاتِ: و آنها بادهایی هستند که خداوند تعالی بعد از بهم پیوستن ابرها آنها را منتشر می‌کند تا به آمدن باران بشارت دهد و بادهایی هستند که به نرمی و بسا رطوبت قبل از فرود آمدن باران می‌وزد. دلیل آن گفتار خداوند بلند مرتبه است: «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» اعراف/۵۷. «اوست که باده را پیشاپیش باران رحمتش هم چون بشارت دهنده‌ای می‌فرستد.»

۶. الْوَاقِحِ: و آنها بادهایی هستند که ابرها را باردار می‌کنند تا پر آب شوند، همانطور که کشت و زرع را باردار می‌کند تا دانه بدهد. و دلیل آن قول خداوند تعالی است: «

^۱ سبعون پرهانا علمیا علی وجود الذات الالهية. ابن خلیفة علیوی ص ۲۱۴

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» حجر/۲۲. «و ما بادهما را فرستادیم در حالی که بارور کننده‌اند و به دنبال آن از آسمان آبی فرستادیم»

۷. الْأَصْرُصِر: و این بادهما دارای نیروی عظیمی هستند که صدایی مانند سوت ایجاد می‌کنند و این بادهما هستند که خداوند به وسیله ی آنها امتها را به هلاکت رساند و از جمله ی آنها قوم عاد هستند. خداوند تعالی می‌فرماید: «وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» حاقه/۶ «و اما قوم عاد با تند بادی طغیان‌گر و پر سر و صدا به هلاکت رسیدند»

۸. حَاصِبًا: و آنها بادهایی هستند که عملیات سنگباران با سنگریزه به وسیله ی آنها انجام شده است. دلیل آن گفتار خداوند بلند مرتبه است: «أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا» اسراء/۶۸ «آیا شما از این ایمنید که به فرمان او زمین بشکافد و شما را در کام خود فرود ببرد و یا از آن ایمنید که طوفانی بر شما ببارد و شما را در کام خود فرو ببرد سپس حافظ و نگهبانی برای خود پیدا نکنید»

۹. الْقَاصِفُ: بادهایی که کشتیها را می‌شکند و سرزمینها را ویران می‌کند. دلیل آن گفتار خداوند تعالی است: «أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ» یا این که ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا باز گرداند»

«تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا» اسراء/۶۹ «و تند باد کوبنده ای بر شما بفرستد و شما را به خاطر کفرتان غرق کند و سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید.»^۱

در آن پند و عبرتی است برای کسی که قلبی بصیر و گوش شنوا داشته باشد و او گواه است.

^۱ سیعون برهانا علميًا علی وجود الذات الالهية ابن خلیفة علوی ص ۲۱۲

۴/۳۵ مزارت و بفار

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا»^۱ نیا/۱۴-۱۳ «و خورشید را چراغی تابان قرار دادیم و از ابرهای بهم فشرده باران ریزان را فرو فرستادیم»

این آیهی کریمه در بین دو امر قرار گرفته است آن دو، حرارت که خورشید آن را به سوی زمین صادر می‌کند و انزال بارانها از ابرهاست. علم گفته است:

چرخه‌ی آب، با اجزاء بخار تبخیر شده از اقیانوس‌ها و دریاها و رودخانه‌ها در نتیجه‌ی حرارت ایجاد شده از خورشید شروع می‌شود و بعد از اینکه دریاها و اقیانوس‌ها در معرض حرارت قرار گرفتند بخار به سوی آسمان صعود می‌کند و ناگزیر اجزای آب تقطیر شده باید جدا از هم و بسیار کوچک باشد و به وسیله‌ی تجزیه‌ی آن صداها و مافوق‌شنوایی که از زمین و موجوداتی که در آن وجود دارد و طبیعت احاطه‌کننده‌ی آن، ایجاد می‌شود. پس هنگامی این اجزای آب بالا رفت و به طبقه‌ای بنام (تروپوسفر) رسید، در مکان جریان برخورد بادها و دگرگونیهای جدی واقع می‌شود.^۱

^۱ مجلة العلم و الايمان التونسية العدد ۲/ لعام ۱۹۷۷. ص ۷. المقال للجیلالی حلام

اعجاز قرآن در علم کوهها

۱۳۶/۱ وصف کوهها در قرآن

خداوند تعالی می‌فرماید: «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَانْهَاراً وَسَبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» نحل/۱۵ «در زمین کوه های استوار نهاد تا بشر را به اضطراب نیافکند و نهرها و رودخانه‌هایی را پدید آورد شاید هدایت شوید.»^۱

«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» نبا/۶-۷. «آیا زمین را گهواره و کوه ها را میخها قرار ندادیم.»

وجود این کوه ها به نظر دانشمندان زمین شناس قرن ۱۹ میلادی از ارتفاعات یا بار سنگین بر روی زمین تجاوز نمی کرد و بررسیهای پی‌درپی در مورد کوه ها انجام شد و هیأت اعزامی دانشمندان انگلیسی در سال ۱۸۶۴ میلادی برای بررسی کوه های (همالایا) آمدند و موضوع جاذبه و پیچیدگی نوعی آن را بررسی نمودند و بدون نتیجه برگشتند و تنها نتیجه، معمایی بود که به آن رسیدند و آنرا (معمای هند) نامیدند.

و تحقیقات بر روی کوه های مختلف در جهان انجام شد و نتیجه، واحد بود. پس این معما را (معمای کوه ها) نامیدند و اخیراً یکی از دانشمندان، نظریه‌ای را مطرح کرده، می‌گوید: چه بسا برای این کوه ها، ریشه‌هایی در زمین باشد، در حالی که متکی به مبدای است مثل این که اگر تو قطعه‌ای یخ را در کاسه‌ی آبی بیندازی، ابتدا این قطعه شناور می‌شود، بعد از این که قسمتی از آن به خاطر عمل توازن زیر آب فرو رفت، قسمتی از آن روی آب شناور می‌ماند. و این چنین دانشمندان برای بررسی آن دستگاه (اسیزموگراف) جدید را به کار گرفته اند.

^۱ رواسی: یعنی کوه های ثابت و استوار «آن تمید بکم» یعنی تا این که شما را به لرزه و حرکت در نیاورد. (کلمات القرآن لحسنین

و آن بعد از جنگ جهانی دوم بود و این دستگاه می توانست بررسی صخره های زیرزمین را از جهت غلظت و فشار و نوع بررسی کند، پس نتایج زیر برای آنها آشکار شد: «ریشه های کوه ها در زیر سطح زمین، معادل چهار و نیم برابر ارتفاع کوه ها بر روی سطح زمین است»

سپس اکتشافات علمی پشت سرهم انجام شد به قسمی که توانستند تصویر این ریشه ی کوه ها را به روش (هلوگراف) تصویر برداری کنند و این تعریف علمی کوه ها بدست آمد: «کوه همان میخ صخره ای کاشته شده در زمین از بالا به پایین است در حالی که طبقات زمین را برای ثابت ماندن زمین و حفظ توازن آن بر روی طبقه ی سیالی شکافته است که زمین بر روی آن استقرار یافته است.^۱»

کوه ها در ثابت ماندن قشر زمین نقش دارند. و خداوند در زیر همه ی کوه ها آنها امتداد داده است که نگهدارنده ی قاره ها می باشند از اینکه در اثنای گردش زمین به گردش در آیند. پس کوه ها قاره ها را ثابت نگاه می دارد همانطور که هنگامی خیمه را میخکوب می کنند، میخ خیمه را ثابت نگاه می دارد.

این رازی است که محققین در سال ۱۹۵۶ میلادی به آن رسیدند همانطور که (دکتر فاروق الباز) متخصص در علم بیولوژی و فضا شناسی و مدیر مؤسسه ی (سیمس سونیان)، در علوم زمین شناسی و فضا شناسی آنها ذکر کرده است.

قرآن کریم این راز را در ۱۴۰۰ سال پیش ذکر کرده، خداوند بلند مرتبه می فرماید: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادٌ» نبأ/۷. یعنی کوه ها را میخ ها در این زمین قرار داد و خداوند تعالی فرمود: «وَالْجِبَالُ أَرْسَالٌ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلَا تَنعَمِمْ» نازعات/۳۳-۳۲. «و کوه ها را ثابت و محکم نمود، همه ی اینها برای بهره گیری شما و چهار پایانتان است» و فرمود «وَأَلْقَى

^۱ القرآن و علوم العصر الحديث. ابراهیم عراجی ص ۹۴. با کمی تصرف.

فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» نحل/۱۵. «و در زمین کوه های ثابت و محکمی افکنند تا لرزش آنها نسبت به شما بگیرد.»

هیچ شکی نیست که قرآن وحی از نزد خداوندی است که راز آسمانها و زمین را می داند.^۱

۲/۳۷ کوه ها چگونه ایجاد می شوند؟

خداوند تعالی می فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِي وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ» حجر/۱۹. «و ما زمین را گسترش دادیم و در زمین کوه های مستقر و ثابتی انداختیم و در روی زمین از هر چیز گیاه موزون رویاندیم»

«وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» نحل/۱۵. «و در زمین کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد»

همانا اعجاز قرآنی در کلمه ی «أَلْقَى» است. علمای زمین شناسی گفته اند: ایجاد کوه ها بر روی سطح زمین، به طریقه ی افکندن (انداختن) کامل شده و این افکندن طبقات زمین در طی دورانهایی کامل شده و آن از پایین به سمت بالا، به این نحو که اقیانوسها و دریاها، آنچه را که در داخل آنها بود بر روی سطح هموار زمین انداختند - این کوه ها به سمت بالا با عمل آتشفشانها افکنده شدند^۲ - یا اینکه این انداختن از بالا به سمت پایین بوده و با فعل جریان رودخانه ها و آبها، رسوبهای (سنگی) کامل می شود^۳.

^۱ التوحید، عبدالمجید الزندانی ص ۲۷۰. با اندکی تصرف

^۲ کلمه ی (القی) هنگامی که چیزی را از بالاتر به پایین تر پرتاب کنند به کار می رود مانند آیه ی «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مَبِينٌ» شعراء/۳۲. «پس عصایش را انداخت ناگاه آن اژدهایی آشکار شد و هنگامی که چیزی از پایین به بالا افکنده شود» شبیه آیه ی

«وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» انشقاق/۴-۳

^۳ القرآن وعلوم العصر الحديثه ابراهيم عراجي ص ۹۸

لازم است به این معلومات راجع به کوه ها اشاره کنم: از اینکه کوه ها لنگرها و میخها و ستونهایی هستند. سپس به صورت افکندن- زیرا کلمه‌ی القی همانطور که در قرآن کریم وارد شده است به معنی افکند می‌باشد.

این مطالب (در مورد کوه ها) برای دانشمند بزرگ زمین شناسی که از بزرگترین ملحدان عالم است هنگام دیدارش از دانشگاه ملک عبدالعزیز در ریاض و گفتگویش با دانشمندان بازگو شد و به او گفته شد: همه ی این علوم حضرت محمد(ص) از کجاست؟ گفت: «تردیدى نیست که این علوم را از عالم بالا یا فوق آورده است.»^۱

۳/۳۸ ارتباط کوه ها با چشمه ها و باران

در آیات کریمه ملاحظه می‌کنیم که کوه ها (جبال) با کلمات انهار یا آب (ماء) تکرار شده است. «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَاراً» رعد/۳ «و در زمین کوه ها و رودخانه ها را قرار داد»

«وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَاراً» نحل/۱۵. «و در زمین کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد.»

«وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَاراً وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ» نمل/۶۱. «و در درون آن ها رودخانه ها و برای آنها کوه ها را قرار داده است» «وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتاً» مرسلات/۲۸. «و در آن کوه های استوار و بلندی قرار دادیم و آبی گوارا را به شما نوشاندیم.» (این آیات از جمله آیاتی است) که به وجود ارتباط بین کوه ها و رودخانه دلالت می‌کند. در آیه‌ی آخر وجود ارتباط بین کوه های بلند (شامخات) و آبها را (مطر) که خداوند از آن ما را می‌نوشاند، ملاحظه می‌کنیم. ارتباط بین وجود کوه های مرتفع و بلند و بین نزول باران امری واضح و حقیقتی علمی است... و در قرون گذشته مجهول بوده است..

^۱ مراجعه کن به سخنرانی علمی دکتر شیخ عبدالمجید زندانی راجع به اعجاز علمی در قرآن و فیلمهای ویدیویی آن